



Research Paper

An Investigation into the Ritual Symbols of Coins of Dabuyid Ispahbads and Abbasid Rulers of Tabaristan in the First Two Centuries AH

Majid Hajitabar^{*1} ¹ PhD in archeology and expert of Mostazafan Foundation's Cultural Institution of Museums.Email: hajitabarm@gmail.com

10.22080/JIAR.2023.25055.1034

Received:

May/24/2025

Revised:

Jul/22/2024

Accepted:

Aug /1/2025

Keywords:

ritual symbols, coins of Tabaristan, Dabuyid Ispahbads, Abbasid rulers

Abstract

Dabuyid Ispahbads, survivors of high-ranking Sassanid Dynasty in Early Islamic era, resisted strongly against Arabs and achieved independence. They were a dynasty that followed Zoroastrianism and, similar to the Sassanians, imprinted their ritual signs on their coins. One side of a coin is imprinted with the picture of the Kings of late Sassanian era and the other side is imprinted with a brazier and two clergymen on the two sides. The crown of the ruler is decorated with the wing of a hawk and the margin is decorated with the pictures of a crescent moon and star, the Zoroastrian symbols. Barsom is imprinted in the hands of the guards and three dots are imprinted symmetrically between the crescent moon and the star. These imprints continued under the rule of the Abbasid rulers. With a numismatic approach, this study seeks to understand the meanings of the ritual symbols related to Zoroastrianism on the coins of Dabuyid Ispahbads and Abbasid rulers in the first and second centuries AH. The study has been conducted using the two methods of field research on the coins of Mostazafan Foundation's Cultural Institution of Museums and Sepah Bank and the comparative study of the written literature to analyze imprints. The two main research questions are: 1. Are the ritual symbols related to Zoroastrianism 2. Which common in Zoroastrianism do they show? The results indicate the conscious use of motifs to show apparently the rituals related to Zoroaster and to return to the religious beliefs of the Sassanid era. These symbols indicated the stable conditions of the society in Tabaristan despite extensive pressures and attacks. The imprints of star, moon, lotus and iris, eagle's wing, brazier and fire, thin branch, and even the deliberate use of the holy script of Pahlavi show the stable belief of the rule and Tabaristan's people in Zoroaster and the symbols related to it.

***Corresponding Author:** Majid Hajitabar**Address:** Mostazafan Foundation's Cultural Institution of Museums**Email:** hajitabarm@gmail.com**Tel:** 02177492366



نوع مقاله: پژوهشی

کندوکاوی بر نشانواره‌های آئینی مسکوکات اسپهبدان دابویی و ولات عباسی تبرستان در دو سده نخست هجری

مجید حاجی تبار^{*۱} ID^۱ دکترای باستان شناسی، کارشناس مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان.ایمیل: hajitabarm@gmail.com

10.22080/JIAR.2023.25055.1034

چکیده

اسپهبدان دابویی بازماندگان خاندان بلندپایه ساسانی در اوایل دوره اسلامی به‌سختی برابر عرب‌ها مقاومت کردند و به استقلال دست یافتند. سلسله‌ای که بر سکه‌های خویش نشان‌های آئینی را به مانند ساسانیان نقش کردند. بر یک روی سکه تصویر پادشاهان و بر روی دیگر آتشدان ترسیم شده است. تاج فرمان‌روا با بال شاهین و حاشیه با هلال ماه و ستاره تزئین شده است. در دستان نگهبانان برسم و در فواصل بین هلال ماه و ستاره به طور قرینه سه نقطه نقش گردیده است. پژوهش با رویکرد سکه‌شناختی به دنبال درک مفاهیم نشانواره‌های آئینی بر مسکوکات اسپهبدان دابویی و ولات عباسی در سده‌های اول و دوم هجری است. تحقیق به دو روش مطالعه میدانی سکه‌های سه مجموعه موزه‌های بنیاد، بانک سپه و باغ دلگشا و مطالعات تطبیقی منابع مکتوب انجام گرفته است. دو سؤال اصلی تحقیق عبارت‌اند از، آیا نشانواره‌های آئینی با دین زرتشت ارتباط دارد؟ و کدام آئین‌های رایج در دین زرتشت را نشان می‌دهد؟ برآیند تحقیق نشان از استفاده آگاهانه نقشمایه‌ها برای بیان آشکار آئین‌های مرتبط با زرتشت و بازگشت به باورهای دینی عصر ساسانی دارد. نشانواره‌هایی که از شرایط پایدار جامعه تبرستان با وجود فشارها و تعرض‌های گسترده به این خطه حکایت دارد. نقش ستاره، ماه، گل لوتوس و زنبق، بال عقاب، آتشدان و آتش، برسم و حتی استفاده تعمدی از خط پهلوی گویای اعتقاد استوار حاکمیت و مردم تبرستان به زرتشت و نمادهای مرتبط با آن است.

دریافت:

۱۴۰۴/۰۳/۰۳

بازنگری:

۱۴۰۴/۰۴/۳۱

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۵/۱۰

کلیدواژه‌ها:

نشانواره آئینی، مسکوکات
تبرستان، اسپهبدان دابویی،
ولات عباسی

* نویسنده مسئول: مجید حاجی تبار

آدرس: مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان

ایمیل: hajitabarm@gmail.com

تلفن: ۰۲۱۷۷۴۹۲۳۶۶



۱ مقدمه

با سقوط ساسانیان و مرگ یزدگرد سوم (۲۰ یزدگردی = ۳۱ ه.ق = ۶۵۲م)، تبرستان تحت لوای گیل ملقب به گاوباره از نوادگان جاماسب (۴۹۹-۴۹۷م) مستقل شد. گیل گاوباره متصرفاتش را بین دو فرزندش، دابویه و پادوسپان تقسیم کرد و تبرستان را به دابویه سپرد. وی در این خطه سلسله اسپهبدان دابویی را تشکیل داد و پس از وی فرزندان و نوادگانش به نام‌های فرخان بزرگ، دات برزمهر، فرخان کوچک و خورشید حکومت کردند. سلسله‌ای که حدود ۱۱۹ سال (۱۴۴-۲۲ ه.ق / ۷۶۱-۶۲۴م) در تبرستان حکمرانی داشت و با هجوم منصور عباسی (۱۵۸-۱۳۶ ه.ق) از بین رفت. با شکست اسپهبد خورشید (۸۹-۱۱۰ پ-ی / ۱۴۴-۱۲۳ ه.ق) از سپاهیان عباسی به سال ۱۴۴ هجری، نمایندگان و ولات عباسی اداره امور را به عهده گرفتند.

دابویه بنیان‌گذار سلسله اسپهبدان دابویی سکه ضرب نکرد و نخستین سکه در زمان فرخان (۷۱۲-۷۳۱م)، پسردابویه ضرب شده است. سکه‌ای که تراز آن نشانگر تداوم راه و رسم ساسانیان و یادآور برقراری آیین زردشت مانند گذشته است. در حقیقت اسپهبدان دابویی "عصر نوین ساسانی" را در تبرستان شکل دادند (اعظمی سنگسری، ۱۳۵۲: ۱۷۱). ولات عباسی نیز مانند اسپهبدان دابویی ضرب سکه را به تراز ساسانی ادامه دادند. سکه‌شناسان و محققان سکه‌های رایج در تبرستان را درهم‌های طبری یا الطبریه (نقشبندی، بی تا: ۶ و امام شوشتری، ۱۳۳۹: ۷۰) و یا اصهبذیه (امام شوشتری، ۱۳۳۹: ۷۰) خوانده‌اند. بر متن و حاشیه این سکه‌ها، علائم و نشانه‌های نمادین نقش بسته که اطلاعات ارزنده‌ای از باورها و اعتقادات حاکم بر جامعه تبرستان را بازگو می‌نماید. مهم‌ترین پرسش تحقیق آن است که نشانه‌های نمادین چه مفاهیم و پیام‌هایی دارد و نقش آن در بازسازی شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه تبرستان چیست؟ و آیا با باورها و آئین‌های زرتشتی دوره ساسانیان ارتباط دارد؟ نقشمایه‌های نمادین نمایانگر عقاید و باورهای

دینی حاکم بر جامعه تبرستان است که پیش‌تر بر سکه‌های ساسانی با پیام‌های دینی مرتبط با کیش زرتشت آمده بود. نقش ترکیبی هلال ماه و ستاره که به طور مکرر در فضاها، مختلف روی و پشت سکه رسم شده، گل لوتوس و زنبق، تاج به شکل بال‌های گشوده شاهین، آتشدان با شعله‌های در حال فوران آتش مقدس، برسم یا عصای مقدس و حتی خط پهلوی بیانگر پیروی از آئین‌های زرتشتی و نکوداشت آن است. درباره سکه‌های این دوره مطالب زیادی نوشته شده و بیشتر متون جزئیات نقش را توصیف و بیان داشته‌اند و برخی نیز به دیگر ویژگی‌های ساختاری و فنی آن پرداخته‌اند و از نشانواره‌ها و علائم نمادین بحث و تحلیلی ارائه نکرده‌اند. این پژوهش سعی دارد با رویکرد سکه‌شناختی، نشانه‌های آئینی و پیشینه آن را به تفکیک بررسی و مطالعه نماید، ضمن آنکه به کلیاتی از جغرافیای تاریخی، تاریخ سیاسی و سکه‌شناسی دوره مورد بحث برای درک بهتر مخاطب پرداخته است.

۲ روش تحقیق

تحقیق مبتنی بر توصیف و تحلیل داده‌ها و تجزیه و تحلیل نقشمایه‌های نمادین متأثر از عصر ساسانی بر سکه‌های اسپهبدان دابویی و ولات عباسی است. اطلاعات به روش مطالعات میدانی و ملموس مجموعه موجود در مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان و موزه بانک سپه تهران و باغ دلگشا شیراز و مطالعات تطبیقی کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده تا با تحلیل نقشمایه‌ها درک صحیح و درست از شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه تبرستان به دست آید و عقاید و باورهای مذهبی و آئین‌های مرتبط با آن‌ها بهتر شناخته شود. در این پژوهش نقش نمادین آئینی با جزئیات آن طراحی و ترسیم می‌شود تا به تفکیک ویژگی‌های نقشمایه و آئین‌ها و باورهای مرتبط با آن بحث و بررسی و با نمونه‌های موجود در مسکوکات ساسانی تطبیق و مقایسه گردد. بازه زمانی بحث نیمه دوم سده اول هجری و نیمه اول قرن دوم هجری است.



۳ پیشینه تحقیق

سکه‌های این دوره مبنای تحقیقات و مطالعات بسیاری از پژوهشگران حوزه سکه‌شناسی بر مبنای داده‌های مجموعه‌های خصوصی و موزه‌ها قرار گرفته است. قدیمی‌ترین و نخستین اظهار نظر درباره سکه‌های این دوره متعلق به جان استیکل است. وی سکه‌ای از خورشید به تاریخ ۶۱ پس از یزدگردی معرفی کرده (Stickle, 1845) که بعدها و با اطلاعات جدید مشخص شد درخوانش تاریخ ضرب دچار اشتباه شده است. اولین گاه‌نگاری اسپهبدان دابویی تبرستان و ولات عباسی بر اساس منابع سکه‌شناسی را جمشید مان‌کچی آنوالا خاورشناسی از خانواده پارسیان هند با مجموعه‌ای متشکل از ۷۴ سکه ارائه کرد (Unvala, 1938). جان واکر با بررسی دقیق سکه‌های تبرستان در مجموعه اسلامی موزه بریتانیا اطلاعات ارزنده‌ای در باره وزن، ساختار فنی، شیوه تاریخ‌گذاری و... ارائه نمود (Walker, 1941). جورج مایلز با بررسی سکه‌های اسلامی مجموعه انجمن سکه‌شناسی آمریکا، سکه‌های اسپهبدان دابویی و ولات عباسی را معرفی کرد (Miles, 1950). آندره گویلو فرانسوی مطالعاتی بر سکه‌های تبرستان انجام داد (Guillou, 1953). ناصرسید محمود نقشبندی از سکه‌شناسان موزه بغداد به تفصیل سکه‌های اسپهبدان دابویی و ولات عباسی تبرستان را معرفی کرد (نقشبندی، بی تا). کامل‌ترین و تخصصی‌ترین مطالعات مربوط به حاج مهدی ملک است که با بررسی مجموعه موزه بریتانیا و کشورهای اروپایی جدیدترین گونه‌شناسی این دوره را ارائه داده است (Malek, 2004). از میان محققان ایرانی اعظمی سنگسری (۱۳۵۲) و پاکزادیان (۱۳۸۷) اختصاصی‌تر به این میحث پرداخته‌اند. غالب مطالعات یادشده به فناوری ساخت و گاه‌نگاری سکه‌ها پرداخته و مباحث اجتماعی و فرهنگی مغفول مانده است. در چند سال اخیر مقاله‌هایی با این منظر از سوی نگارنده تهیه و منتشر شده و نقشمایه‌ها و کتیبه‌ها دستمایه بررسی و تحلیل اوضاع اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است (حاجی

تبار، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰). با این تفاسیر پژوهشی که صرفاً نشانواره‌های آئینی مسکوکات را به تفکیک کند و کاو نماید و چرایی آن‌ها را بررسی، تحلیل و ریشه‌یابی کند انجام نشده است. این پژوهش به دنبال کشف شهود دینی و آیینی منقوش بر سکه‌های تبرستان در قرون اول و دوم هجری و بررسی تأثیر ساسانیان بر آن است.

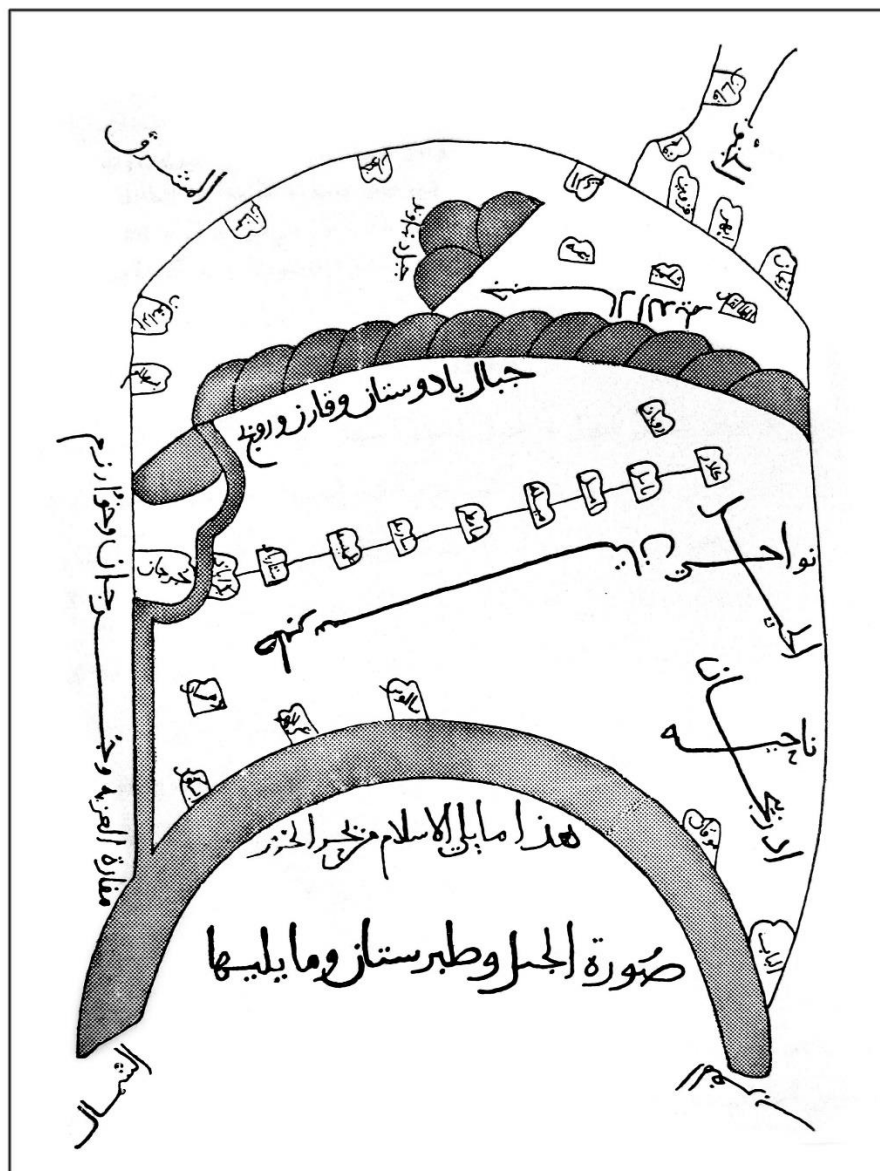
جغرافیای تاریخی تبرستان

میان رشته‌کوه‌های البرز و دریای مازندران ناحیه‌ای معتدل و مرطوب با پوشش گیاهی مناسب قرار دارد که در سده‌های نخستین هجری به نام تپورستان، تبرستان و طبرستان خوانده شده است. باریکه‌ای غنی در بخش شمالی ایران که حد شرقی آن استرآباد و شهر تاریخی تمیشه و حد غربی آن دیلم و رودسر آمده است. واژه تبرستان، نخستین بار در نامه منسوب به تنسر موبد موبدان اردشیر پاپکان (۲۴۱-۲۲۴م) آمده (مینوی، ۱۳۵۴: ۴۹) و در منابع سکه-شناختی خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱م) به سال نهم، سکه‌ای با علامت ضراب‌خانه "تپ" مخفف تپورستان ضرب شده است (نوروز زاده چگینی، ۱۳۶۶: ۲۱). بسیاری از منابع استفاده زیاد از تبر برای جنگ و قطع درختان و بیشه‌زارهای منطقه را دلیل این نام‌گذاری می‌دانند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۴۶؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۹۸؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۷۴؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۷۳: ۲۳؛ دمرگان، ۱۳۳۸: ۲۱۶؛ مهجوری، ۱۳۸۱: ۳۴ و نوبان، ۱۳۷۶: ۳۳۷). برخی نیز به معنای کوه (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۰۸) و قسمت‌های بلند کوهستانی آورده‌اند (رابینو، ۱۳۶۵: ۲۱-۲۲ و لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۹۴). بارتولد ریشه نام تبرستان را به قوم تپور ساکن در آن ارتباط می‌دهد (بارتولد، ۱۳۵۸: ۲۳۲).

تبرستان اقلیمی معتدل با باران فراوان (ابن رسته، ۱۳۶۴: ۱۷۶) دارد و از دو بخش هامون و کوهستان تشکیل شده است (استخری، ۱۳۶۸: ۱۶۸). مهم‌ترین شهرهای هامون رویان، آمل، ساریه، شالوس، لارز و ویشیرز، طمیس و کلار (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۹۶) مامطیر، ترنجه، روبست، میله، مراکدیه،

و اقلیم آن با جنگل‌های انبوه و کوه‌های بلند بوده که ورود بیگانگان را دشوار می‌ساخت.

مهروان، تمار و ناتل (ابن رسته، ۱۳۶۴: ۱۷۶) و برجی و چشمه الهم و لمراسک (استخری، ۱۳۶۸: ۱۶۹) و ترنجی و عین الهم (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۲۰- نقشه ۱) است. مهم‌ترین عامل استقلال این خطه نیز جغرافیا



نقشه شماره یک- نواحی کوهستانی و هامونی تبرستان در حدود سال‌های ۳۵۰ تا ۳۶۷ هجری (صورة الارض- ابن حوقل)

تبرستان سر به استقلال برداشتند. این دودمان‌ها شامل قاروندیان، پادوسپانیان، باوندیان در سه شاخه کیوسیه، اسپهبدیه و کینخواریه و دابویان بوده که نسبشان به قباداول (۴۹۶-۴۸۶ م و ۵۳۱-

تبرستان در دو سده نخست هجری

پس از گذشته شدن یزدگرد سوم (۶۵۱ م)، آخرین شهریار ساسانی و گشوده شدن ایران به دست تازیان چند خاندان از شهزادگان ساسانی در



۴۹۹م) می‌رسد (مهرآبادی، ۱۳۸۷: ۳۰) و گاوباره گان دابویی تاثیرگذارتر از بقیه سلسله‌ها بوده‌اند.

گیل ملقب به گاوباره^۱ از نوادگان جاماسب، تبرستان را میان دو فرزند خود پادسبان و دابویه تقسیم کرد و دابویه در حیات پدر حکومت تبرستان را برعهده داشت (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۰) و مدت ملکش شانزده سال و نسب ایشان با چند نسل به اردشیر بابکان می‌رسد^۲ (گیلانی، ۱۳۵۲: ۳۳). با مرگ دابویه، فرزندش فرخان به سلطنت رسید که با یورش مکرر امویان مواجه شد. در زمان معاویه (۶۰-۴۱ ه.ق) مصقله بن هبیره دو سال با فرخان جنگید و موفقیتی به دست نیاورد (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۵۸) و از فراز کوهستان تخته سنگ بر سرشان افکندند و همگی هلاک شدند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۶۹). بعد از فرخان، پسرش دات برزمهر بر تخت سلطنت جلوس کرد. در زمان وی پایه خلافت امویان متزلزل شد و مردم در آرامش و آسایش به زندگی ادامه دادند (خسروبیگی و ایزد یاد پیربستی، ۱۳۹۴: ۹۵). وی مقر شاهان گاوباره را که به طور سنتی در گیلان بود به ساری انتقال داد (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۶۵). در وقت حکومت وی، ابومسلم خراسانی در مرو خروج کرد (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲) و دامنه آن به تبرستان کشیده شد. مدت حکومت وی دوازده سال بوده است (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۶۵). خورشید، پسر دادبرزمهر به هنگام فوت پدر تنها شش سال داشت و از این رو فرخان کوچک عموی خورشید نیابت حکومت را بر عهده گرفت. فرخان کوچک (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۷۰) یا سارویه (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲) بعد از هشت سال، قدرت را به خورشید واگذار کرد. منازعات داخلی خلفای اموی باعث سلطه خورشید بر نواحی کوهستانی شد (ابن اسفندیار،

۱۳۶۶: ۱۷۲) ولی با ظهور حکومت عباسی مجبور به تبعیت از خلافت جدید گردید (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۳۶۶). در سال ۱۴۲ هجری قلعه اسپهبد به دست سرداران منصور عباسی (۱۵۸-۱۳۶ ه.ق) تصرف شد و خورشید با انگشتر زهراکین خویشتن را کشت (طبری، ۱۳۶۳: ۴۷۳۵-۴۷۳۷/۱۰). با مرگ خورشید در سال ۱۴۴ هجری سلسله اسپهبدان دابویی از بین رفت و نواحی هامونی به دست ولات عباسی اداره می‌شد. تبرستان در نیمه قرن دوم هجری، بخشی از خلافت اسلامی بوده که توسط والیان عباسی اداره می‌شد. براساس منابع مکتوب و شواهد سکه-شناختی در مجموعه ۴۳ امیر و والی به ولایت تبرستان منصوب شدند (قلی زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۴) که برخی از آن‌ها از جمله عمر بن العلاء، روح بن حاتم و خالد بن برمک چندین بار به حکومت رسیدند.

سکه‌شناسی اسپهبدان دابویی و ولات

عباسی تبرستان

از دابویه سرسلسله اسپهبدان دابویی سکه‌ای در دست نیست و نخستین سکه متعلق به اسپهبد فرخان (۷۱۲-۷۳۱م) پسر دابویه است که پنجاه و نه سال پس از مرگ یزدگرد سوم به شیوه ساسانیان ضرب شده است. ضرب درهم‌های سبک ساسانی احتمالاً واکنشی خصمانه در برابر سکه‌های تراز اسلامی امویان بوده است (Malek, 2004: 8). سکه‌هایی که جز در اندازه، وزن، سال و محل ضرب از طرح کلی سکه‌های آخرین شهریاران ساسانی پیروی کرده است (اعظمی سنگسری، ۱۳۵۲: ۱۷۱). این سکه‌ها به درهم‌های طبری یا الطبریه (نقشبندی، بی تا: ۶ و امام شوشتری، ۱۳۳۹: ۷۰) یا

^۱ درباره لقب گاوباره آمده است که وی با دو رأس گاو گیلی بار کرده روانه تبرستان شده و اسمش را به گاوباره تعبیر کرده است (ابن اسفندیار ۱۳۶۶-۱۵۳ و گیلانی ۱۳۵۲-۳۳). خانم مهر آبادی در این باره معتقد است در کتیبه نقش رستم نام گاو بارووا آمده که اهل پتیشواریش^۱ یا همان پدشخوارگر تبرستان است و شباهتی که میان نام گاوباره یا این نام

هخامنشی وجود دارد، علت چنین نام‌گذاری در رابطه با داستان گاوباره را ناصحیح می‌نمایاند (۱۳۷۲: ۲۲۵).

^۲ دابویه بن گیل بن گیلانشاه گاوباره بن فیروز بن نرسی بن جاماسب بن پیروز بن هرمز بن یزدگرد بن بهرام گور بن یزدجرد الثیم بن بهرام بن شاپور ذوالاکتاف بن هرمز بن نرسی بن بهرام بن بهرامیان بن بهرام بن هرمز بن شاپور بن اردشیر بابکان ساسانی (گیلانی، ۱۳۵۲: ۳۳)



عباسی (روح بن حاتم، خالد بن برمک، عمر بن العلاء، سعید بن دعلج، یحیی بن مثنی، یحیی بن الحریثی، جریر، مهران، سلیمان، مقاتل، هانی بن هانی، معد، عبدالله، قدید، ابراهیم، سکه‌های بی نام و فضل بن سهل) پی گرفته شد. با مرگ خورشید ضرب سکه به نام وی برای پنج سال (۱۱۵-۱۱۰ پسایزدگردی/۱۴۹-۱۴۴ هـ.ق) تداوم یافت. ولات عباسی (۱۹۶-۱۴۶ هـ.ق) سبک اسپهبدان دابویی را با نقش و نشانواره پیشین ادامه دادند و تنها تفاوت شاخص، نام کوفی امیر بر روبه‌روی چهره است. سکه‌های پس از مرگ خورشید (۱۱۵-۱۱۰ پ.ی/۱۴۹-۱۴۴ هـ.ق) و خالد بن برمک (۱۲۰-۱۱۵ پ.ی/۱۴۹-۱۵۵ هـ.ق) نیم‌تنه پهن‌تر دارد و سکه‌های سلیمان (۱۳۸-۱۳۶ پ.ی/۱۷۳-۱۷۱ هـ.ق) و فضل بن سهل (۱۶۱ پ.ی/۱۹۶ هـ.ق) طرح لوزی و کلمه "بخ" در وسط به جای نیم‌تنه دارد^۲ (تصویر۱).

اصبه‌بذیه (امام شوشتری، ۱۳۳۹: ۷۰) معروف است و نصف درهم‌های سود الوافیه^۱ بغلی، مساوی چهار دانگ یعنی ده قیراط وزن دارد (نقشبندی، بی تا: ۶). تاریخ بر مبنای یازده ژوئن ۶۵۲ میلادی برابر با ۳۱ هجری، روز مرگ یزدگرد سوم بر سکه‌ها آمده است (Walker, 1941: 1xx). خط مسکوکات پهلوی ساسانی و از لحاظ الفبا به سکه‌های اواخر ساسانی، به‌خصوص خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹ م)، خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰ م)، قباد دوم (۶۲۸ م)، آذرمدخت (۶۳۰-۶۳۱ م)، اردشیر سوم (۶۳۲-۶۵۱ م) و یزدگرد سوم (۶۲۹-۶۲۸ م) شباهت دارد. جنس سکه‌های تبرستان عمدتاً نقره بوده و از برنز به تعداد محدود ضرب شده و یک نمونه طلا معرفی شده که غالب سکه‌شناسان آن را تقلبی می‌دانند. بعد از فرخان ضرب سکه به تراز ساسانی توسط پسر و نوه‌اش دات برزمهر (۷۳۱-۷۴۱ م) و خورشید (۷۴۱-۷۶۲ م) و سپس ولات

اعراب نقشی که بر درهم ساسانی بوده را از روی سخریه به سر استر تشبیه کرده و این تشبیه متدرجاً دهن به دهن گردید و معروف شده است (۱۳۳۹: ۷۰). به هر حال درهم‌هایی که به سودالوافیه بغلی شهرت داشتند با وزن ۴/۲۶۵ گرم در زمان ساسانیان، خلفای راشدین و امویان تا سال ۸۳ هجری ضرب شده و متوسط قطر آن ۳۰ میلی متر بوده است (نقشبندی، بی تا: ۶).
^۲ جهت اطلاع بیشتر نک؛ حاجی تبار، مجید و نیستانی، جواد و موسوی کوهپر، سید مهدی، ۱۳۹۴، گونه‌شناسی سکه‌های طراز ساسانی تبرستان در قرون اول و دوم هجری، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان: ۱۱۹-۱۴۲.

^۱ درهم‌های سود الوافیه بغلی، مسکوک است که وزن هر یک از آن‌ها یک مثقال یا یک دینار یا هشت دانگ است (امام شوشتری، ۱۳۳۶: ۶۶). در واقع الوافیه به درهم‌هایی گفته می‌شود که وزن آن برابر با یک مثقال شرعی یا عربی و هم‌وزن یک دینار رومی بوده است (امام شوشتری، ۱۳۳۶: ۴۵ و ۶۹). در مورد اصطلاح بغل و علت نام‌گذاری درهم به این عنوان نظرات مختلفی ارائه شده است. در برهان قاطع، بغل به فتح اول و سکون ثانی و لام، نام ضراب یهودی آمده و ضرب درهم بغلی که در کتب فقهی مرقوم است را به او منسوب کرده و او را راس البغلی خوانده است (خلف تبریزی، ۱۳۴۲: ۱/۲۹۰).
نقشبندی اعتقاد دارد راس البغل یهودی آن‌ها را برای عمر ابن خطاب ضرب کرده است (بی تا: ۵۰). امام شوشتری می‌نویسد،



شکل شماره یک- تصاویر سکه‌ها با نیم‌تنه پهن‌تر و طرح لوزی (موزه‌های بنیاد و Malek, 2004)

شده که مفاهیم و معانی آئینی دارد. بر روی دیگر، آتشدان و دو روحانی نقش شده و بر سمت راست محل ضرب و سمت چپ تاریخ ضرب نوشته شده است. بر متن و حاشیه سکه، علائم و نشانه‌های نمادین طراحی و ترسیم شده است (تصویر ۲).

بر یک روی سکه نیم‌رخ راست پادشاه، متأثر از سکه‌های ساسانی به‌خصوص خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸م) نقش شده است. روبه‌روی چهره نام اسپهبد دابویی یا امیرعباسی به خط پهلوی یا کوفی آمده و پشت سر و حاشیه نشانواره‌ها و نوشته‌هایی نقش



شکل شماره دو- طرح روی و پشت نمونه‌ای از سکه تراز ساسانی تبرستان (نگارنده- ۱۳۹۴)

ارتباط مستقیم دارد و به نوعی تصورات نهادینه‌شده که در روح و جان خالق اثر است. انسان برای ملموس کردن باورها و ابراز عقاید درونی خویش سعی در بروز مکنونات قلبی و درونی و بروز آن‌ها به شکل تصویر دارد. بنابراین هیچ نقشی جنبه تزئینی نداشته و جملگی برآمده از نیازها و باورهای جامعه-ای است که در آن تولید شده و دربردارنده

نشانواره‌های آئینی مسکوکات اسپهبدان دابویی و ولات عباسی تبرستان در دو سده نخست هجری

نمادسازی و نشانواره‌ها در نقش‌اندازی انواع آثار هنری و فرهنگی همواره دارای اهمیت بوده و در حقیقت ایده‌آل‌ها را متجلی می‌سازد. آرمان‌هایی که با اعتقادات و ذهنیات هنرمند سازنده و جامعه وی



استمرار دوره ساسانی است. سکه‌های بسیاری از این دوره بر جای مانده و مفاهیم مذهبی و آئینی چون نیم‌تنه پادشاه، تاج پادشاهی، بال‌های گشوده، دواير و واژه خوره، هلال ماه، ستاره، سواستیکا (چلیپا)، گل نیلوفر (لوتوس)، گوشواره و گردنبند و یقه رد، آتشدان و آتش، آذربدان، برسم، مثلث سه نقطه‌ای و گل زنبق را برای تبلیغ ایدئولوژی و نمایش سیاست‌های مذهبی به کار گرفته است، نشانه‌هایی مقدس به شرح ذیل که بر مزدپرستی و الوهیت پادشاه تأکید دارند.

نیم‌تنه شاه

در یک نیم دایره و دایره نیم‌تنه پادشاه با نگاه به سمت راست تصویر شده که متأثر از نقش‌اندازی دوره ساسانی می‌تواند نشانی از الوهیت و اقتدار و حاکمیت وی بر زمین باشد. نقشی که به عنوان وابسته و برگزیده اهورامزدا تصویر شده و تحت حمایت وی قدرت دارد و مجری اراده خداوند بر زمین است (هینلز، ۱۳۸۸: ۱۰۳). سلطنت در ایران عطیه-ای الهی است که شاهنشاه با نیروی معنوی فره از جانب اهورا به آن می‌رسد و تا زمان خشنودی او فره ایزدی برقرار است (شعبانی، ۱۳۸۷: ۱۷۳) از این رو پادشاهی، تجلی قدرت آسمانی و اهورایی بوده و مقامی است که در اوستا "خشترا" آمده و در اصل به معنای قدرت مطلق است (موله، ۱۳۶۳: ۱۵ و ۳۹). شاهنشاه نماد دادگری آمیخته با تعقل است که کژی در او راه ندارد و اعمال او نموداری از خواست خدا است و شاه بی‌دادگر شایسته دشنام است (دوستخواه، ۱۳۷۹: ۵۸۱). بنابراین نقش نیم‌تنه پادشاه با نشانه‌هایی چون تاج، اخترهای گوناگون و کلاه جهت اثبات حقانیت و مشروعیت و این گفتار است که خدا وی را در این مسیر یاری می‌دهد (نولدکه، ۱۳۵۸: ۴۶ و اعتماد مقدم، ۱۳۵۰: ۴۲). نقش شاهی زیر بال‌های گشوده نمادی از آهورا و نشانه‌ای روشن از حضور خداوند بر زمین است و شاه فراتر از انسان بر نیروهای مخرب محدوده فرمانروایی خود غلبه می‌کند (هینلز، ۱۳۸۸: ۱۰۳ و ۱۰۸). فر شاهی که تنها متعلق به خاندان شاهی است (اوتاکار، ۱۳۶۸:

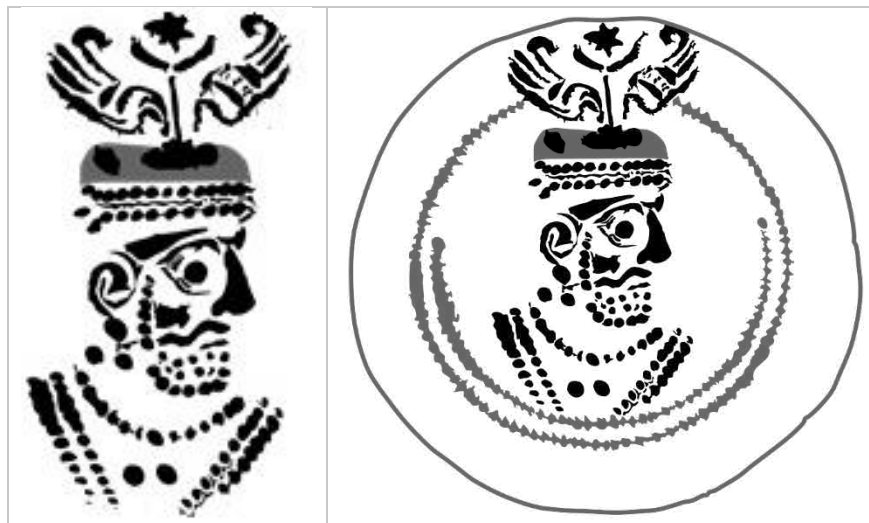
اسطوره‌ها و نمادهای مشخص و بازتاب اوضاع و احوال خاص و طرز تفکر و زندگی جامعه انسانی وابسته به آن است. در میان انواع آثار فرهنگی، سکه‌ها از آغاز پیدایی در ایران، مظهر ظهور نمادها و نشانواره‌های آئینی بوده و تصویر و تصویری ژرف از معانی و مفاهیم دینی و مذهبی ارائه کرده است. نقشمایه‌هایی که جلوه‌ای از سیاست‌های اعتقادی حاکم بر جامعه و تفکرات و اندیشه‌های آئینی بوده و نهان‌داشته‌هایی را بر مبنای ایدئولوژی حکومتی شکل داده است.

سکه‌های اسپهبدان دابویی و به دنبال آن‌ها مسکوکات ولات عباسی تبرستان از این امر مستثنی نبوده و نشانواره‌های منقوش بر آن‌ها اسناد و مدارک مهم شناخت دین و شعائر مقدس زرتشتی است. نمادهایی که پیش‌تر در دوره ساسانی بر تمام شؤون جامعه غالب آمده و امور کشور براساس اندیشه‌های آن سامان گرفته و به عنوان محصول فرهنگی برای مشروعیت حکومت استفاده شده است. به واسطه پیوند دین و دولت از ورای نقش‌های مسکوکات عناصر دینی و اعتقادی تبلیغ شده تا مشروعیت شاهنشاهی تحکیم گردد و برای رسیدن به مطلوب، نیاز بود از سکه‌ها برای تبلیغ اندیشه‌های سیاسی بهره بگیرند و به نحو دقیق تفکرات مذهبی را مجسم سازند و به تصویرسازی دینی برسند. نشانه‌هایی که نمودار احترام و تعلق خاطر به آئین مزدیسنا و زرتشت است. مهم‌ترین اتفاق این دوره حفظ و بقای آئین زرتشتی بوده و به مثابه اهرمی فعال برای راهبری اندیشه سیاسی استفاده شده است (رضایی راد، ۱۳۷۸: ۱۰). درحقیقت دوره نوین ساسانی از لحاظ فرهنگی در تبرستان شکل گرفت و راه و رسم گذشته و آئین زردشت تداوم پیدا کرد. در نتیجه مسکوکات این دوره متأثر از شیوه و تراز ساسانیان، نقشمایه‌های نمادین و آئینی را به یادگار گذاشته‌اند که در جهت اهداف مذهبی و آئینی بوده و بازتابی از اندیشه سیاسی و مذهبی حاکم بر جامعه تبرستان در سده‌های اول و دوم هجری است. محتوای کتیبه‌ها و مفاهیم نشانواره‌ها با تغییرات اندک،



نشانوارهای آئینی بر زمینه که به تفکیک بحث و بررسی خواهد شد، تلاشی برای مشروعیت و حقانیت پادشاهی است (تصویر ۳).

(۴۸) و این وابستگی او را در مقامی الهی و قدسی قرار داده تا سعادت و سلامت ملت در وجود او شکل بگیرد (گجسته ابالیش، ۱۳۱۸: ۸). نیم‌تنه با



شکل شماره سه- طرح نیم‌تنه پادشاه در میان دوایر سکه‌ها (نگارنده- ۱۴۰۰)

سپاس و حق گذاری نسبت به آسمان روشن، زمین نیک، آتش درخشان، گیاه سرسبز و هر آن‌چه اورمزد عطا کرده باید به بهترین شکل ستایش شود (عفیفی، ۱۳۷۴: ۲۶۸). علائم و نقش تاج بر اساس مظاهر آسمانی و اجرام آسمانی (پوپ، ۱۳۸۰: ۶۸) نماد قدرت و برتری شهریار به عنوان شخص اول و قدرت مطلق ناشی از اعتقادات رایج در جایگاه حمد و ستایش دین زرتشت و آئین مزدیسنا است (دادور و مکوندی، ۱۳۹۱: ۳۱). شکل عمومی تاج به کلاه پوستین یا نمدی شباهت دارد که از پشم با بافت ضخیم مرسوم در شمال ایران تهیه شده است. سطوح بیرونی با جواهرات و دوردیف مروارید آرایش شده و از پشت به سه ردیف منتهی می‌شود. نقش ردیف مرواریدها علاوه بر زینت و زیبایی جهت تثبیت و تحکیم تاج بر روی سر بوده است. دو بال گشوده روی پایه مستطیل شکل قرار دارد که از حلقه بیرون زده است. همان‌طور که گفته شد تاج پادشاهی چند نقش نمادین و آئینی دارد که به تفکیک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (تصویر ۴).

تاج پادشاهی

تاج درحقیقت نماد پیوند فرمان‌روا با نیروی آسمانی بوده و نشانه‌های آن غالباً مؤید این نکته بوده و برای پادشاهان اهمیت داشته است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۹۳) و باورهای مذهبی عهد خویش را به نمایش گذاشته و هریک از نشانه‌های آن معنای خاص خود را دارد (دادور و مکوندی، ۱۳۹۱: ۲۸). تاج سکه‌های اسپهبدان دابویی و ولات عباسی تبرستان برگرفته از سکه‌های سال دوم خسرو پرویز است. بر این تاج وهرام به شکل آرمانی با بال‌های پرنده‌ای شکاری نشان داده شده است (دریایی، ۱۳۸۲: ۳۸) و نمادهایی چون هلال ماه، ستاره و بال عقاب بر روی تاج ترسیم شده است. بدین منوال مظاهر ایزدان به طور آگاهانه و مرتب و منظم تجلی یافته است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۳۵). از آنجاکه شاهان بر اساس باورهای زرتشتی، فرمان‌روایی خویش را از جانب اهورامزدا می‌دانند، برای نمایاندن این باور و حمد و ثنای اورمزد از نمادهای مذهبی مرتبط بر روی تاج بهره جسته‌اند (دادور و مکوندی، ۱۳۹۱: ۲۸).



شکل شماره چهار- طرح و تصویر تاج سکه فرخان (موزه‌های بنیاد- ۱۴۰۰)

دوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۵) و مظهر حمایت الهی و حامی و نگهبان انسان‌ها و حیوانات اهلی و وحشی است (سید خلیل الهی و ابوالقاسمی، ۱۳۹۸: ۲۰۴).

نقش دوبال شاهین روبه‌روی هم بسان پرنده‌ای که بال‌هایش ماه و ستاره را برای محافظت در بر گرفته، نخستین بار بر سکه‌های خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰م) پس از پیروزی بر بهرام چوبین (۵۹۱-۵۹۰م) مورد استفاده قرار گرفته و به جز قباد دوم (۶۲۹-۶۳۰م) و اردشیر سوم (۶۳۲-۶۳۱م) بقیه شاهان پس از خسرو از آن تاج بر سر نهند (پاکزادیان، ۱۳۸۴: ۱۷۸ و رضایی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۲۰۹ و عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۵). نقش این تاج بر سکه‌های خسرو تأکیدی بر حقانیت حکومت بر ایران‌شهر و پیروزی به حق بر بهرام ششم و پشتیبانی از سوی ایزدان برای اعطای فرمان‌روایی است. اینکه غاصبی بخواهد این حق را بگیرد وظیفه قانونی پادشاه، بازپس‌گیری حق حاکمیت است (دریایی، ۱۳۸۲: ۳۸).

بال‌های گشوده

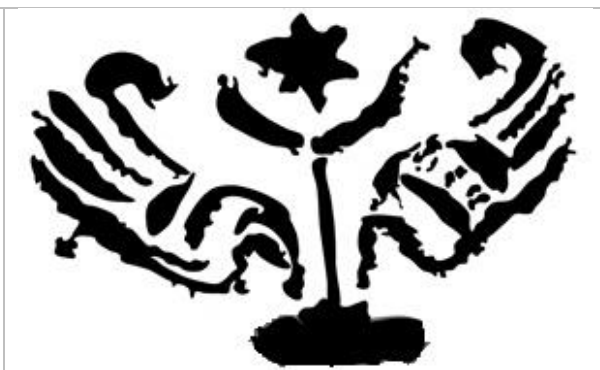
بال‌های گشوده شاهین بر تارک تاج نماد ورثرغنه^۱ (بهرام) خدای پیروزی (Malek, 2004: 99) و سید خلیل الهی و ابوالقاسمی، ۱۳۹۸: ۲۰۵) بوده و با تعالیم باطنی و تزکیه نفس رابطه دارد (دریایی، ۱۳۸۲: ۳۸). یکی از چند تجسم ورثرغنه، پرنده‌ای بزرگ و تیز پرواز بوده که در میان ایرانیان قدیم با احساس ترسی آمیخته با خرافات انسان را حفظ می‌کند و برای او نیک‌بختی و فره می‌آورد (هینلز، ۱۳۷۳: ۴۲). دارنده پر مرغ وارغن، بزرگی می‌یابد (شفق زارعی، ۱۳۹۱: ۶۲) و به سعادت و فال نیک دست می‌یابد و سایه آن بر هرکس فرود آید به فرمان‌روایی می‌رسد (اردلان جوان، ۱۳۷۴: ۴۶). از ایزدان اصیل ایران باستان و خدای جنگ و پیروزی، حامی پیروانش بوده و در جنگ با آدمیان بدکاره همواره پیروز است (روشنی نژاد، ۱۳۹۱: ۴۶). نیروی قدرتمند و مهاجم پیروزی در یشت ۱۴ به ده فرم و هیبت وصف شده^۲ که هر شکل مبین نیروی عمل‌کننده الهی است (هینلز، ۱۳۸۸: ۲۹). نمادی که از دیرباز نشانه‌ای مقدس برای ایرانیان بوده (عابد

^۲ برای اطلاعات بیشتر نک؛ هینلز، جان راسل، ۱۳۸۸، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی

^۱ Verethraghna

(شاهین) است و بدین سان بال‌های گسترده وی مظهر نیرومندی وی بر فراز اورنگ فرمان‌روایی است تا همیشه پیروز و از گزند اهریمن در امان باشد (آورزمانی، ۱۳۹۲: ۳۴). بال‌های رأس تاج، مظاهری از نیک‌بختی پادشاهان است و در سایه آن فرمان‌روایی آن‌ها مشروعیت یافته و در سایه حمایت ایزد بهرام از شر غاصبان، بداندیشان مصون هستند (تصویر ۵).

تاج آراسته به بال‌های شاهین به خدایان خورشید نیم‌روز و همه ایزدان آسمان نسبت داده شده و نماد قدرت پادشاهی و خرد بوده و می‌تواند بدون توقف تا خورشید پرواز کند و به آن خیره گردد و با آن یکی شود (هال، ۱۳۸۰: ۶۰ و مینفورد، ۱۳۹۴: ۵۹ و کوپر، ۱۳۸۶: ۲۲۱). بهرام ایزد آذر نیز بوده و یکی از تجلیات وی در کالبد حیوانی، مرغ وارغن



شکل شماره پنج- طرح و تصویر بال‌های گشوده سکه‌ها (بانک سپه- ۱۴۰۰)

مشروعیت حکومت است (مبینی و ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۹). بر روی سکه دو دایره و پشت آن سه دایره از دانه‌های مروارید چهره نیم‌رخ پادشاه و آتشدان را در بر گرفته است. این فره باید نمادی از ایزدان آب و فر ایشان باشد، زیرا مرواریدی که در قعر دریا از رسوب املاح به دور یک نطفه مرکزی شکل می‌گیرد و دُر درخشان می‌شود نموداری از فرّ است که اپم نپات خدای آب‌ها زیر دریا نگهداشته و به دلیل درخشندگی می‌تواند علامت فرّ و تجلی مهر باشد (سودآور، ۱۳۸۴: ۷۹-۷۸). دایره، حافظ درون-مایه خویش و موجب حفظ و انسجام روان و تن است (پاکباز، ۱۳۷۸: ۵۰۱) و نماد آسمان و قدرت دادگستری بوده و بر ابدیت، وحدت، شکفتگی و کمال دلالت دارد (هال، ۱۳۸۰: ۱۳۸). شکستگی حلقه دوم شاید اشاره به افزایش فرّ است (مبینی و ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۰ و درخشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۴). شواهدی مبنی بر پیوند فرّ و ایزد بهرام وجود دارد و ایزد بهرام، پیروزی در جنگ را تنها به

دوایر مرواریدی و واژه خوره

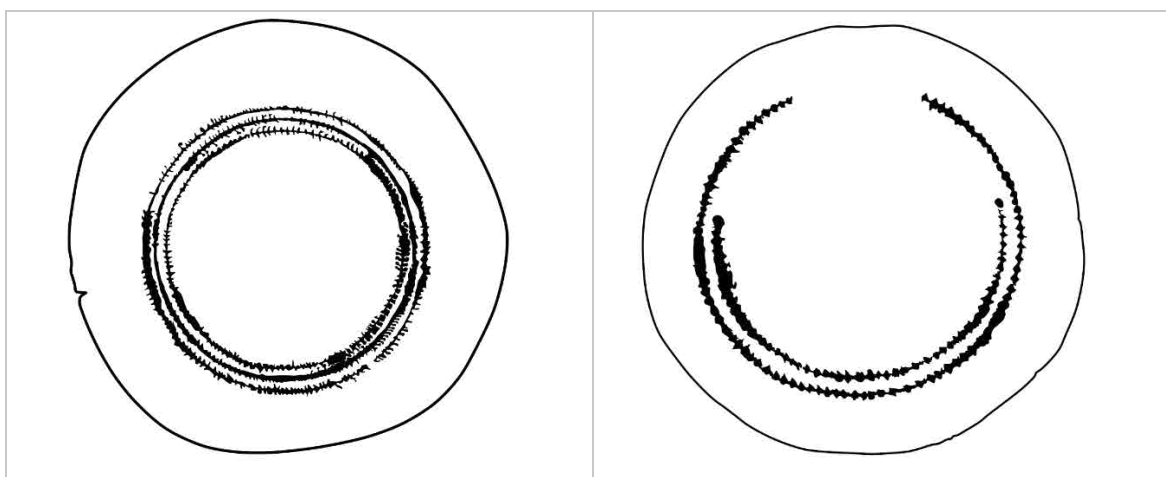
تاج پادشاهی نمادی از فرّ ایزدی نیز بوده و تاج آراسته به بال‌های شاهین را می‌توان جنبه تصویری آن تصور کرد. فره در زبان هندواروپایی آغازین به معنی جوهر خورشید است و بر پایه این تعبیر، فرّ در واقع هاله با شکوهی گرد پادشاه است (فرای، ۱۳۷۵: ۲۴ و مبینی و ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۴۸). در دوره ساسانیان شاهان از نگاه مردم خصوصیات ویژه‌ای داشتند که به فارسی فرّ و فارسی میانه فرّه و به اوستایی خُورنه گفته می‌شد (آورزمانی، ۱۳۹۲: ۳۴). مفهوم آن نیروی زندگی، شکوه، پیروزی، بخت پادشاهی و از همه مهم‌تر بارقه ایزدی بوده که فقط در وجود شاه متجلی گشته و او را از سایر انسان‌ها متمایز و مستحق فرمان‌روایی می‌کرده است (فرای، ۱۳۷۵: ۲۴ و آورزمانی، ۱۳۹۲: ۳۴).

در مورد نشانه‌های فرّ می‌توان حلقه‌های متشکل از مروارید را هاله‌ای برگرد سر شاه تصور کرد که به خورشید مربوط بوده و تأکیدی مضاعف بر



را به آن اضافه کرد (Gobl, 2006: 330-331 و پاکزادیان، ۱۳۸۴: ۱۷۷). فره به عنوان مفهومی ایدئولوژیک بر سکه‌های خسرو دوم برای نخستین بار گام آخر جهان‌بینی کیانی را برداشت (بادامچی و مطلوبکاری، ۱۳۹۵: ۳۴). واژه فره سکه افزون سکه با نقش دایره بر سکه معادل فره بوده و دایره چون شمشه نماینده فره است (رهبر و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۹ و تصویر ۶).

درستکاران اعطا و دروغ‌گویان را سرکوب می‌کند (درخشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۴). فره علاوه بر تصویر در سکه‌ها به صورت نوشتاری نیز ظهور یافته و جنبه نوشتاری در واژه خوره افزود متجلی گشت (سید خلیل الهی و ابوالقاسمی، ۱۳۹۸: ۲۰۳) نگاشته‌ای که می‌تواند ادعای فرمان‌روایی بر حق را تقویت نماید (دریایی، ۱۳۸۲: ۳۷). واژگانی که نخستین بار بر سکه قباد یکم (۴۸۸-۵۳۱م) در سال دوازدهم آمده و خسرو دوم بر سکه نوع دوم به سال دوم حکمرانی هژوارش خوره GDH=Xwarrah



شکل شماره شش- طرح دواير روی و پشت سکه‌ها (نگارنده، ۱۴۰۰)

علامت بر سکه‌های وی اضافه شده بود (رهبر و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۷).

در نظر اول شکل سماوی که به کرات بر سکه نقش شده می‌تواند نماینده نور و نمایش روز و شب باشد (مبینی و ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۹). هلال ماه از نمادهای ایزدان زرتشتی، آناهیتا (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۹۰) عنصر و مظهر نیروی مؤنث مرتبط با آب، ایزد بانوی مادر، شاه بانوی آسمان، نماد تولد و مرگ، رستاخیز و تجدید حیات پس از مرگ و هستی نوین، بی مرگی و ابدیت است (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۶ و کوپر، ۱۳۸۶: ۳۳۸ و الیاده، ۱۳۷۶: ۱۷۵). آزدویسورا آناهیتا الهه ایرانی آب‌ها در

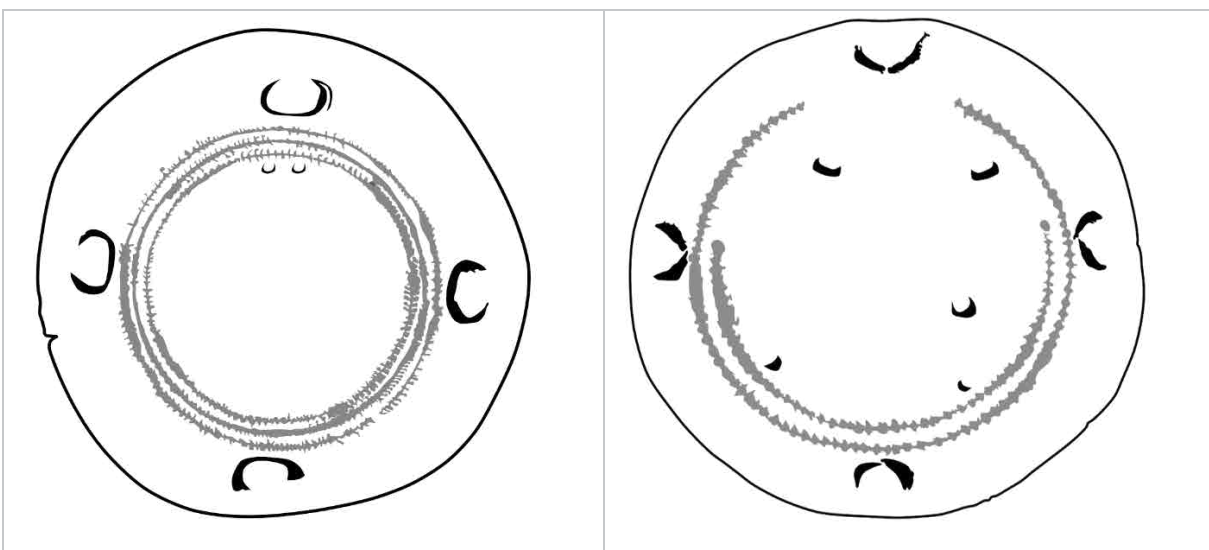
هلال ماه

هلال ماه به تنهایی یا ترکیب با ستاره در قسمت‌های مختلف روی و پشت سکه نقش شده و بسامد گسترده آن تأکیدی بر اهمیت آن است. این نقش میان بال‌های شاهین بر رأس تاج، سه زاویه بیرون کادر، زیر یقه ردا، روبه‌روی چانه، روبه‌روی تاج بر روی سکه و بالای شعله‌های آتش در سمت چپ یا راست و در چهار جهت بیرون کادر بر پشت سکه به چشم می‌خورد. نماد نجمی هلال ماه با قباد اول (۴۸۸-۵۳۱م) آغاز و تقریباً به صورت پایدار بر سکه‌ها باقی ماند (آلت‌هایم و همکاران، ۱۳۸۲: ۷۶)، البته قبل از قباد در زمان پیروز (۴۸۴-۴۵۹م) این

¹ Ardiv Sura Anahita

به نام ماه آمده است (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۶ و درخشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۶). روز ماه مناسب شادمانی و حاجت خواستن و ناظر بر زندگی و زاینده‌گی زمین بوده و ماه گئوچتر به معنی دربردارنده نژاد چهارپایان آمده است (هینلز، ۱۳۷۳: ۱۴۷). نمادی که نشانی از الطاف الهی نسبت به پادشاه بوده (درخشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۶) و نیروی کیهانی که حاکمیت و برتری شاه را نمایش می‌دهد و داعیه آسمانی بودن پادشاه را تداعی می‌کند (قلی زاده، ۱۳۸۳: ۱۱ و تصویر ۷).

آسمان موقعیتی قمری دارد (الیاده، ۱۳۷۶: ۱۶۵) و کنترل‌کننده جزر و مد، باران، سیل و فصول، ناظر بر سرنوشت و تقدیر است (کوپر، ۱۳۸۶: ۳۴۰). در روایات ایرانی جان‌های مردگان پس از عبور از پل چینوات به سوی ستارگان می‌شتابند و اگر پرهیزگار باشد نخست به ماه و سپس به خورشید می‌پیوندد و پرهیزگارترین آن‌ها در گروتمان^۱ به روشنایی و فروغ بیکران آهورا می‌رسد (الیاده، ۱۳۷۶: ۱۷۵). در آئین زرتشت فزاینده گیاهان، پاسدار ستوران و حامل نژاد آنان، هفتمین یشت و روز دوازدهم همراه شمسی



شکل شماره هفت- طرح هلال ماه روی و پشت سکه‌ها (نگارنده، ۱۴۰۰)

ستاره نماد تیشتر یکی از بزرگ‌ترین ایزدان کهن ایران و آورنده باران و نیروی نیکوکاری در نبردی کیهانی با آپوشه یا اپوش^۲ دیو خشک‌سالی و تباه‌کننده زندگی درگیر می‌شود (هینلز، ۱۳۷۳: ۳۷) و نزدیک‌ترین ارتباط آن را با رویش و رشد گیاهان باید جست‌وجو کرد (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۷). اسطوره نبرد با آپوش بیان روش مناسک مذهبی و اعتقاد به انجام قربانی برای تقویت نیروی خدایان و ذکر تیشتریه به هنگام قربانی برای شکست دیو خشک‌سالی است که آن هم بستگی

ستاره

نقش ستاره به تنهایی یا ترکیب با هلال ماه بر چهار جهت رو و پشت سکه‌ها، روبرو و پشت تاج، زیر یقه ردا و بالای شعله‌های آتش به کرات نقش شده و با آئین‌ها و باورهای زرتشتی ارتباط دارد. نماد نجمی ستاره در زمان پیروز بر سکه‌ها اضافه شده (رهبر و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۷) و در زمان قباد اول تقریباً به صورت پایدار بر سکه‌ها باقی مانده است (آلت‌هایم و همکاران، ۱۳۸۲: ۷۶).

^۲ Aposh-Apaosha-

^۱ Garotman



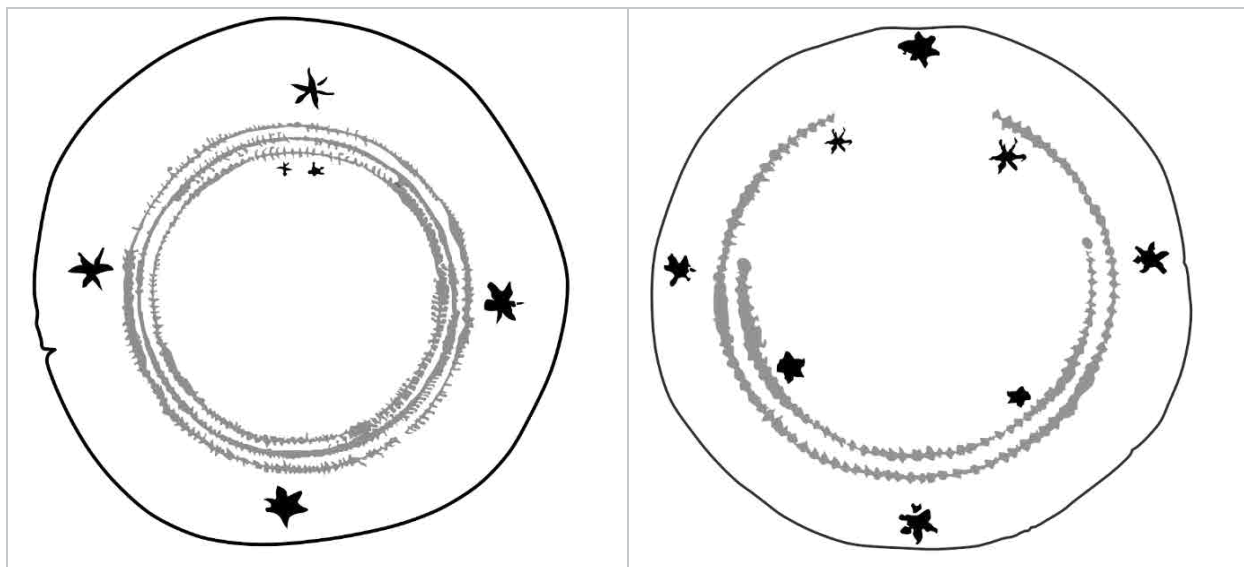
به این دارد مناسک مذهبی تا چه میزان با اعتقاد و باور قلبی بوده و آنگاه باران خواهد توانست به دنیا نیروی حیات ببخشد (هینلز، ۱۳۸۸: ۲۷). در طول سی شب مبارزه با اپوش در آسمان با پیروزی به پرواز در آمده و آواز شادی سر داده و به یاری ابر به سوی آسمان رفته و باران بر گشتزاران باراند (عفیغی، ۱۳۷۴: ۴۷۴). جشن تیرماه سیزه شو لفظ مازندرانی جشن تیرگان از اعیاد باستانی به پاس تیشتر برگزار می‌شده که اکنون نیز در نقاطی از شمال و سمنان همچنان پابرجا است (اسماعیل پور، ۱۳۸۱: ۷۸). جشنی که نوروز طبری یاد شده و بازمانده گاه-شماری کهن ایرانی در نیمه دوم اونه ماه (آبان ماه طبری و اسفند ماه جلالی) و تیرما در پائیز (آبان جلالی) است (کیا، ۱۳۴۵: ۵) و مردم به آب بازی پرداخته که نشان از اهمیت باران برای کشاورزی دارد (بویس، ۱۳۷۷: ۲۱۹). آغاز گاه‌شماری طبری سال ۳۱ هجری (مرگ یزدگرد سوم) بوده که سپهبد گیل ژاماسبی پادشاه طبرستان اعلام استقلال کرده است (هومند، ۱۳۶۷: ۱۰).

در اوستا تیشتریه، در پهلوی تیشتر و در فارسی تیر آمده (آورزمانی، ۱۳۹۲: ۳۴) و نام ستاره‌ای در ایران قدیم که در متون اوستائی، تیشتر یشتر در

ستایش او آمده است (اسماعیل پور، ۱۳۸۱: ۸۷) در مینوی خرد بهشت نخست از ستاره پایه است تا ماه پایه (تفضلی، ۱۳۵۴: ۲۰) و بنا بر بندهش اختران آب سرشت، زمین سرشت و گیاه سرشت‌اند. آب-سرشتان تیشتر و ترشیگ و پدیسپر و پیش پرویز و هفت ستاره که پرویز خوانند، است (فرنغ دادگی، ۱۳۸۵: ۶۹). ستاره نماد حضور الوهیت، تعالی و دسترسی به بالاترین جای‌ها در بهشت است (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۹۳) و عنصری تاثیرگذار در رشد حیات است (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۷ و تصویر ۸).

نقش ترکیبی هلال ماه و ستاره را می‌توان به گردش روزگار و روز و شب نیز نسبت داد، اشکالی سماوی که به تعبیری نشانه اختر و ماه یا خورشید و ماه است (مبینی و ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۹). ماه و خورشید برای روشن ساختن جهان و رشد همه زائیدنی‌ها و روئیدنی‌ها و دست داشتن روز و ماه و سال و فصول و .. است (قلی زاده، ۱۳۸۸: ۳۷۶). بر پشت و روی سکه‌های این دوره چهار هلال ماه و ستاره در چهار جهت تصویر نیم‌تنه شاه یا آتشدان را در میان گرفته که این نقش را می‌توان به عنوان سواستیکای^۱ پنهان ماه بحث و بررسی کرد.

^۱ Swastika

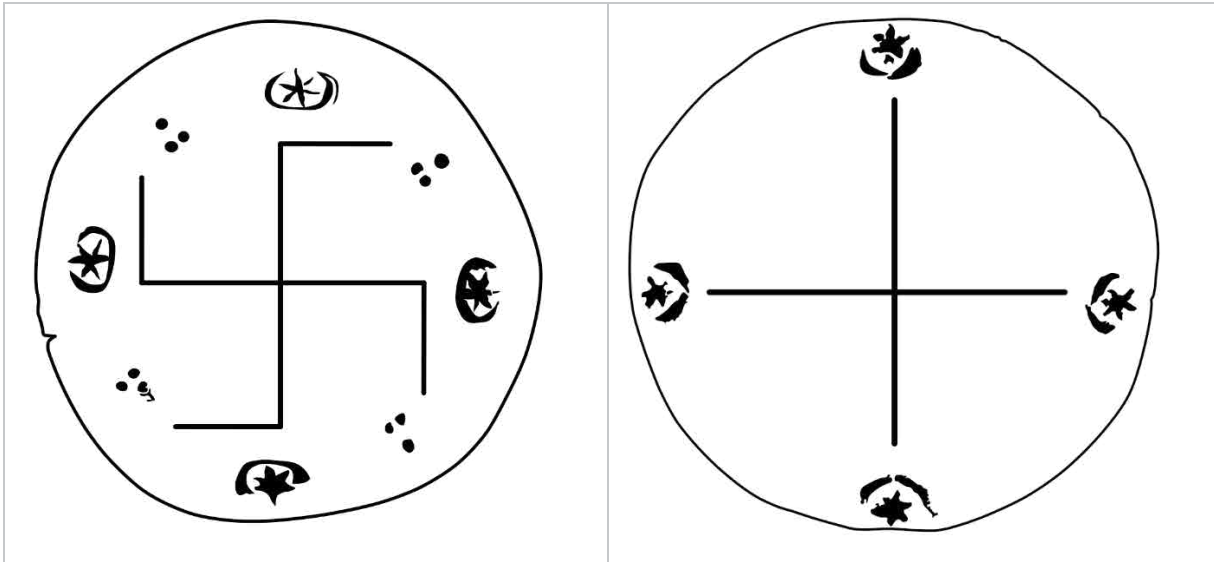


شکل شماره هشت- طرح ستاره روی و پشت سکه‌ها (نگارنده، ۱۴۰۰)

سواستیکا (چلیپا)

تکرار نقش ترکیبی هلال ماه و ستاره در چهار جهت روی و پشت سکه‌ها که چهره نیم‌رخ پادشاه یا نقش آتشدان را در بر گرفته از منظر مذهبی قابل بحث و بررسی است و می‌تواند نمادی از سواستیکای پنهان و نشانی از چرخش فصول، حرکت و جنبش زندگی، تولد، اوج، افول و رستاخیز باشد (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۷). سواستیکا از زبان سانسکریت برگرفته شده و سو زیبا و فرخنده و استیکا بودن و به معنای نیک و خوب (خوش‌شانس) بودن است (اکبری و الیکای دهنو، ۱۳۸۴: ۱۲). در ایران گردون خورشید نامیده می‌شود (خندقی، ۱۳۸۹: ۲۰۰)، کهن الگویی مقدس که در تمام اقلیم ظاهر شده و نشانی از گردش خورشید است (صلواتی، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۱). گردونه مهر در آئین

مهرپرستی نماد "هوآشتی" یا "آشتی بزرگ- صلح اکبر" و برادری و یگانگی (مقدم، ۱۳۸۵: ۴۲) و در اوستا ایزد روشنایی و عهد و پیمان و دلیری (رستم بیگی، ۱۳۶۴: ۹۰) و نماد نیک‌بختی (دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۲۷۴) است. صلیب شکسته یا گردونه خورشید (مهرانه) نوعی صلیب خورشید با بازوهای خمیده به راست است که به حرکت چرخشی اشاره دارد (صلواتی، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۱). مهرانه به معنی گردونه خورشید و ناهید، مظهر مهرپرستی و گویای چهار جانب هستی و چهار عنصر اولیه مقدس در آئین زرتشت یعنی آب، آتش، خاک و باد است (دانشگر، ۱۳۸۴: ۱۶۴). بر پایه اوستا مهر یکی از ایزدان مزدیسنا سوار بر گردونه گرد جهان گشته و فروغ و روشنایی فرو می‌پاشد و با پیمان‌شکن و دروغ‌گو پیکار می‌کند (بختورتاش، ۱۳۸۶: ۱۴۹ و تصویر ۹).



شکل شماره نه- طرح سواستیکا بر روی و پشت سکه‌ها (نگارنده، ۱۴۰۰)

و خلوص به اشکال هشت، دوازده و حتی هزار برگ ترسیم شده است (مبینی و شافعی، ۱۳۹۴: ۴۹ و دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۱۰۴). جنبه تقدس آن به محیط آبی است که نماد باستانی اقیانوس کهن بوده و کیهان از آن آفریده شده و روان بر سطح آب به مانند زهدان است و در سپیده‌دم باز و غروب بسته شده و از این جهت مانند خورشید و مظهر حیات شمسی و مظهر باروری و تجدید حیات و بی‌مرگی است (بهمنی، ۱۳۸۹: ۶۸). این گل در آب می‌روید و با طلوع و غروب خورشید باز و بسته می‌شود و گلبرگ‌های منظم آن و چندلایه آن نشانی از اندیشه و شهود انسانی است (بلخاری، ۱۳۸۴: ۲۶). از نمادهای فره و مرتبط با زایش منجیان زرتشت، تجلی گر فره و عنصر محافظ فره‌های زرتشت در ژرفای دریاچه کیانسه^۱ است (موحدی، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۵). در میان امشاسپندان^۲، آمرداد حامی گیاهان و مرتبط با

گل نیلوفرآبی (لوتوس)

نقش گل هشت‌پر برسمت چپ و پشت تصویر پادشاه میان دو واژه مذهبی افزوت- خوره به خط پهلوی **𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥** بر روی سکه‌ها تکرار شده است. نقشی با معانی نمادین و مرتبط با اساطیر ایران و پیشینه‌ای کهن که می‌توان آن را نیلوفر آبی دانست. نیلوفر تجلی و نمودی از نشانه مقدس و مذهبی است (صداقت، ۱۳۹۶: ۱۳۶). نقوش گیاهی نشانی از آفرینش اورمزد و بهره‌مندی از منافع آن و مقابله با اهریمن خشک‌سالی است (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۷۱). نیلوفر از گروه گل‌ها و گیاهانی است که به فارسی گل آب‌زاد و به فرنگی لوتوس خوانده می‌شود و در روایات کهن جای نگهداری تخمه یا فره زرتشت دانسته شده و از این رو با آئین مهرپرستی پیوند دارد (آموزگار و تفضلی ۱۳۷۰: ۸۱ و شمس، ۱۳۷۹: ۲۰۶) و تصویری از مادینگی هستی و آفرینش

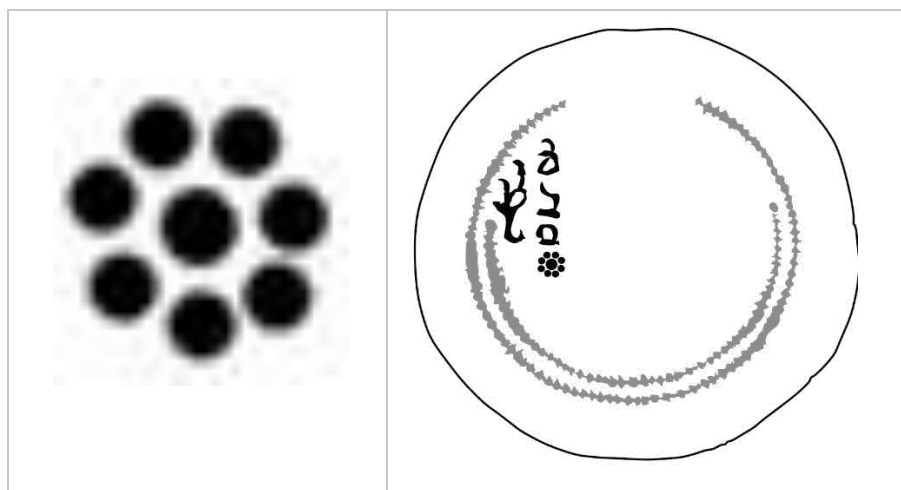
^۱ یاری می‌دهند و عبارت‌اند از بهمن (منش و اندیشه نیک)، اردیبهشت (بهترین دادگری و نظم حیقت)، شهریور (شهریاری و پادشاهی برگزیده)، سپندآرمئیتی (پارسایی و خشوع)، خرداد (کمال و رسایی)، آمرداد (بی‌مرگی) و به همراه سپند مینو (مینوی فزاینده) مخلوقات اولیه در خلقت کیهانی هستند و بر اداره امور جهان و تعیین سرنوشت انسان به اهورمزدا یاری می‌رسانند (باقری، ۱۳۸۵: ۴۳).

^۱ صورت پهلوی دریاچه هامون در سیستان (جهت اطلاعات بیشتر ن.ک. به مالکی لوطکی، حسین و پارسا طلب، عباس، ۱۳۹۵، دریاچه هامون در روایات ملی ایران و جایگاه آن در آخرالزمانی زردشتی، فصل‌نامه جُندی شاپور، سال دوم، شماره ۷، پائیز: ۷۱-۵۸).

^۲ امشاسپندان یعنی بی‌مرگان مقدس یا جاودانگان مقدس، در حکم فرشتگان مقدسی هستند که اهورمزدا را در امر آفرینش

دست یا کنار پادشاه ترسیم می‌شده (مبینی و شافعی، ۱۳۹۴: ۵۰) و مظهر قدرت و کمال به‌ویژه در رابطه با نجیب‌زادگان و پادشاهان است (غلامپور درزی و علی اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۸۵ و تصویر ۱۰)

زندگی و رویش است (آموزگارو تفضلی، ۱۳۷۰: ۱۹ و هینلز، ۱۳۷۳: ۷۵). این نقش در دین زرتشت به منزله فره (موسوی حاجی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۲)، نماد قدرت و نیک‌بختی (سودآور، ۱۳۸۴: ۷۶) در



شکل شماره ده- طرح گل نیلوفر بر روی سکه‌ها (نگارنده، ۱۴۰۰)

بن برمک، هانی، سلیمان و عمر)، پنج نقطه (افزوت)، ستاره (افزوت)، ستاره با نقطه (افزوت)، ستاره درون یک دایره (عمر، سعید و مقاتل)، هلال ماه (عبدالله) و قلب (عبدالله بن خازم و عبدالله بن قحطبه) تصویر شده است. استفاده از زیورآلات مخصوص شاهان بوده و کسی حق استفاده از آن را نداشته است (کریستین سن، ۱۳۴۵: ۴۳۱ و سامی، ۱۳۸۷: ۲/۳۱) و در مراسم آئینی نقشی بارز داشته و بازتابی از هویت، فرهنگ، علایق، باورها و اندیشه‌های جامعه و الگویی از کیفیت زندگی بوده است (گیو قصاب، ۱۳۹۲: ۱۳). رمزا و نشانه‌های آن حاوی پیام‌ها و اهدافی با مفاهیم مشخص است (چیت ساز و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۴)، نشانه‌هایی چون هلال ماه، ستاره و دایره به تفصیل در جای خود مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و جایگاه نمادین اعداد در فرهنگ و آئین این دوره که غالباً متأثر از ادوار پیشین به‌خصوص ساسانیان است مورد کندوکاو قرار می‌گیرد. عدد سه از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به همین علت گوشواره، گردنبند و حاشیه

گوشواره، گردنبند و یقه ردا

تصویر پادشاه با گوشواره‌ای متشکل از سه مروارید آویخته • و گردنبند با ردیفی از مروارید و آویز متنوع و یقه ردا مرواریددوزی شده نمایش داده شده که متأثر از سکه‌های ساسانی، به‌خصوص خسرو دوم و بعد از آن است. استفاده از زیورآلات پیشینه چند هزارساله داشته و در این دوره، اسپهبدان دابویی متأثر از ساسانیان به منظور کسب حیثیت و اعتبار اجتماعی، اقناع نیازهای روحی و انجام مراسم مذهبی و آئینی مورد استفاده قرار گرفته است. سنتی که نشان از شرایط حاکم بر جامعه داشته و به مثابه منبعی تصویری بازتاب‌دهنده اقتدار حاکمیت و پادشاهان و سلطه دین و آئین دارد. گردن‌آویزهای منقوش بر سکه‌های تبرستان نسبت به مسکوکات ساسانیان از تنوع زیادی برخوردار بوده و به اشکالی چون سه نقطه (فرخان، دات برزمهر، یحیی بن مخنق، هانی، مقاتل، سلیمان، جریر، ابراهیم، مهران، افزوت)، چهار نقطه (خورشید، روح بن حاتم، خالد



در چهار دوره سه هزار ساله اتفاق افتاده (آموزگار، ۱۳۸۸: ۱۳) و تداعی چرخه زندگی، اصل مادینه، زمین، طبیعت نیز است (گرین و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۶۲). در بهمن یسن اورمزد به زرتشت درختی با یک ریشه و چهار شاخه نشان داده که اشاره به چهار دوره زمانی تا رسیدن به فرگرد است (بهمن یسن، فصل ۱، بند ۳ تا ۱۱).

گردن‌آویز برخی از سکه‌های نوع افزوت تبرستان پنج نقطه‌ای است که در افسانه‌های ایرانی نمادی از تعداد حواس، شمار انگشتان دست و پا، بوده (ذبیح نیا عمران و قیومی زاده، ۱۳۹۶: ۳۱) و عدد مرکز، هماهنگی و توازن است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۸: ۲۴). در اسلام این عدد مقدس بوده و به پنج نور آفریده شده پیش از نخستین آدم (ذبیح نیا عمران و قیومی زاده، ۱۳۹۶: ۳۱)، پنج نماز، خمس اموال، پنج تکبیر، پنج کلید قرآن در راز و عرفان و پنج انگشت دست حضرت فاطمه اشاره دارد (شوالیه و گربران، ۱۳۷۸: ۲۵۲). بنابراین می‌توان علائم و نشانه‌های گردن‌آویزها را آگاهانه و با هدف نمایش باورها و اعتقادات و در راستای برگزاری آئین‌های دینی تصور و تلقی کرد (تصویر ۱۱).

پشت سکه‌ها با نقشمایه سه مروارید تزئین شده که در بخشی جدا مورد جستار قرار می‌گیرد. اعداد وسیله‌ای برای برآوردن نیاز و ادامه زندگی بوده و از زمانی که انسان اشیای اطراف خود را شناخت خلق شده (محمودی، ۱۳۸۴: ۱۴۹) و در آئین‌ها می‌تواند نشانه تقدس یا تنفر باشد (کاسیرر، ۱۳۶۰: ۲۹۹). بنابراین هر عدد مفاهیم و پیام‌های خاص خود را دارد و به‌کارگیری آن‌ها بر سکه‌ها برای بیان منظور و مقصودی مشخص است.

طرح گردنبند چهار نقطه‌ای بر سکه‌های چند پادشاه و امیر تبرستان نقش شده است، عددی که نماد نظم جهانی بوده و بی‌نظمی و کثرت آشفته موجود در جهان را به اشکال منظم و ثابت تبدیل می‌کند (احمدی، ۱۳۹۴: ۷)، مفهومی که در اساطیر و باورهای ایران باستان وجود داشته است. در مراسم آئینی یسنا، زرتشتیان گیاه هوم را چهار بار می‌سائیدند که نمادی از آمدن زرتشت و سه پسر منجی اوست (هینلز، ۱۳۷۳: ۱۸۲). قدرت اصلی خلقت براساس باورهای کهن بر چهار عنصر زمین، آب، آتش و هوا بوده و نمادی از چهار فصل سال است (ذبیح نیا عمران و قیومی زاده، ۱۳۹۶: ۳۰). در اساطیر ایران و بر پایه اوستا، آفرینش جهان مادی



شکل شماره یازده- طرح زیورآلات (گوشواره، گردن‌آویز و یقه ردا) بر روی سکه خورشید (نگارنده، ۱۴۰۰)

است و غالباً دو نگهبان بر دو جانب آن ایستاده‌اند (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۱). این تصویر پیش‌تر بر سکه‌های شاهان محلی پارس (حدود ۲۳۰ ق.م تا ۲۱۰ م) آمده و در دوره ساسانی با تغییراتی تداوم یافت و به مثابه یک ارزش شناخته‌شده نقش

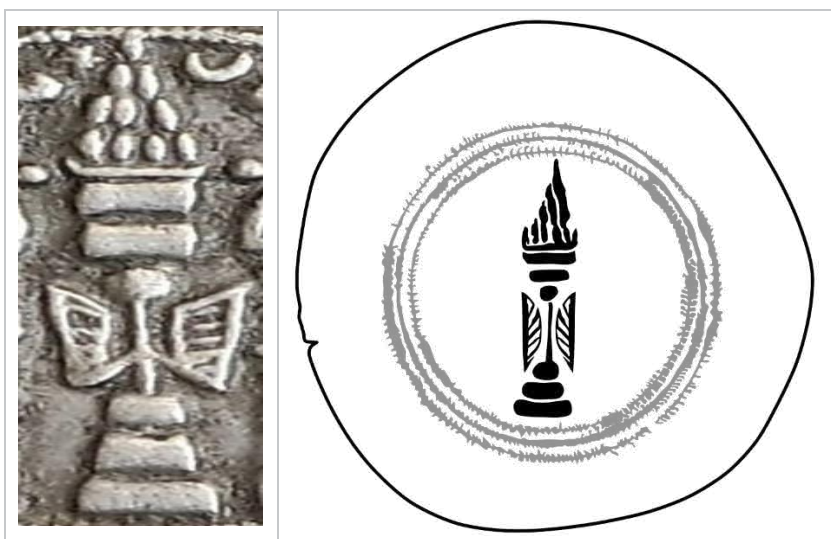
آتشدان

نقش محوری پشت سکه‌ها همواره فضای عرصه و عرضه عنصر دینی و آئینی آتشدان زرتشتی با شعله‌هایی که از میان آن متصاعد می‌گردد، بوده



حکایت از ستایش آتش در آن عصر دارد، آتشی مقدس که همیشه فروزان در آتشدانی با پایه‌ها و ستونی بلند در حال سوختن است. غالباً آتشدان ابزار و وسایل مربوط به خود چون؛ برسم، پنم، پیاله، تشت (پورداوود، ۱۳۵۴: ۱۸۶)، هاون، هوم، آب و مواد خوشبوکننده مثل اسپند، گُندر و پیه را نیاز دارد (تفضلی، ۱۳۶۴: ۱۰۳ و تصویر ۱۲).

شده است (باقری، ۱۳۸۵: ۴۹). نشانه‌ای که بیانگر ایدئولوژی و تأکید بر مزدپرستی و احترام و تقدس مقام الوهیت او است و برای تبلیغ و ترویج دین و از اندیشه‌های قطعی دین زرتشت بهره گرفته است. این نقش در دوران زرتشت به حدی تکرار شده که آن را سمبل مزدیسنا می‌دانند (بایار، ۱۳۷۷: ۵۶ و مبینی و ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۶). وجود آتشدان



شکل شماره دوازده- طرح و تصویر آتشدان سکه‌ها (بانک سپه، ۱۴۰۰)

پور، ۱۳۷۱: ۲۷۶). کرتیر روحانی بزرگ عصر ساسانی در کتیبه کعبه زرتشت ابتدا خود را هیربد و در مرتبه بعدی موبد می‌خواند (Back, 1978: 393). واژه موبد در اوستا نیامده و کلمه عام روحانی در حکم طبقه اجتماعی به کار رفته (Wikander, 1946: 25) که به عنوان آثرون، نگهبان آتش مقدس آمده است (صالحی و ستاریان، ۱۳۸۸: ۱۲۶). روایات زرتشتی هیربدان را بیشتر به عنوان آموزگار آورده‌اند (رسولی، ۱۳۹۶: ۷۴) در حالی که منابع اسلامی هیربد را روحانی آتش خوانده (Widengren, 1968: 220) و در سمت روحانی آتشکده، تشریفات ستایش آتش را به جای می‌آورده است (رسولی، ۱۳۹۶: ۷۴). با این

آذربدان

نگهبانان اطراف آتشدان را برخی از سکه‌شناسان هیربدان (اعظمی سنگسری، ۱۳۵۲: ۷۲ و ترابی طباطبایی، ۱۳۷۳: ۳) و برخی روحانی (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۱۲۸) یاد کرده‌اند در حقیقت آن‌ها با شمشیرهای آتشین، محافظ بهشت احاطه شده با آتش هستند و راه جاهلین و گمراهان را سد می‌کنند (عابد دوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۳). روحانیت در دوره ساسانی بر اساس منزلت اجتماعی در سه طبقه مغان، هیربدان و موبدان تقسیم شده (صالحی و ستاریان، ۱۳۸۸: ۱۲۶) و در رأس این طبقات موبدان قرار داشته است (ایمان

سرودن نیایش آتش بر دهان بسته می شود (www.kniknam.com)

^۱ قطعه پارچه سفید از پنبه که روی دهان آویخته و با دو نوار به پشت سر گره می‌خورد (دهخدا، ذیل واژه پنم) و به هنگام



و ستاریان، ۱۳۸۸: ۱۲۷) پیشینه‌ای کهن‌تر و در ابتدا مقامی بالاتر از موبد داشته و به تدریج موبدان ریاست روحانی را به عهده گرفتند (خدادادیان، ۱۳۸۰: ۱۱۳) و از آن پس پرستاری و مناسک آتش را به جای می‌آورده‌اند (رسولی، ۱۳۹۶: ۷۹ - تصویر ۱۳).

تفاسیر، هیربدان در آغاز روحانیون مراسم مذهبی آتش بوده و نیایش‌ها را زمزمه می‌کردند و به تدریج نقش آموزگار را پیدا کردند (Wikander, 1946: 25). مهم‌ترین شغل مغان از پائین‌ترین طبقه روحانیت (دینوری، ۱۳۴۰: ۹۲) اجرای مراسم مذهبی در آتشکده بوده است (یعقوبی، ۱۳۴۴: ۳۹۵). از آن‌چه گفته شد می‌توان دریافت، هیربد در معنای روحانی آتش (یارشاطر، ۱۳۷۳: ۵۷۲) و نگهبان آتش (صالحی



شکل شماره سیزده- طرح و تصویر آذربدان سکه‌ها (باغ دلگشا- ۱۴۰۰)

مجازات‌کننده دروغ‌گویان و پیمان‌شکنان است (باقری، ۱۳۸۵: ۱۴۴). آئین مهرپرستی از ادیان کهن ایران پس از ظهور زرتشت با آن ترکیب و در هیأتی جدید به حیات خود ادامه داد (رضازاده و حسن اوغلی زرنق، ۱۳۹۴: ۳). منابع دینی مرگ گاو را موجب زایش موجودات زنده دانسته و عمل آئینی قربانی با ابزاری نمادین خنجر، شمشیر و گرز صد گره انجام می‌شده (منصورزاده و بهفروزی، ۱۳۹۷: ۵۲) و شاید نقش شانه که شبیه به سلاح است اشاره‌ای به یکی از ابزار نمادین فراطبیعی ایزد مهر باشد (تصویر ۱۴).

آذربدان کلاهی به شکل شاخ گاو از نشانه‌های آئین مهر بر سر دارند و بالای آن نیز نقش هلال ماه نماد آناهیتا از ایزدان دین زرتشت نقش شده است. سر با شاخ گاو نمادی از میترا است که موبدان نگهبان آتش مقدس آن را بر سر گذاشته تا به نشانه حمل ابزار جنگی علیه شر و اهریمن باشد. میترا گرز با سرگاو را سه بار در روز بالای سر جهنم حرکت می‌دهد تا دیوان را از اعمال مجازات بیشتر از آن‌چه گناهکاران مستحقند، بازدارد (هینلز، ۱۳۷۳: ۱۳۵). مهر در اوستا ایزد راستی، شجاعت، روشنایی و عهد و پیمان و دارنده دشت‌های فراخ و چراگاه‌های خرم است و یاری‌دهنده راست‌گویان و جنگ‌جویان و



شکل شماره چهارده- طرح کلاه شاخدار و هلال ماه آذربان سکه‌ها (نگارنده، ۱۴۰۰)

برسم^۱

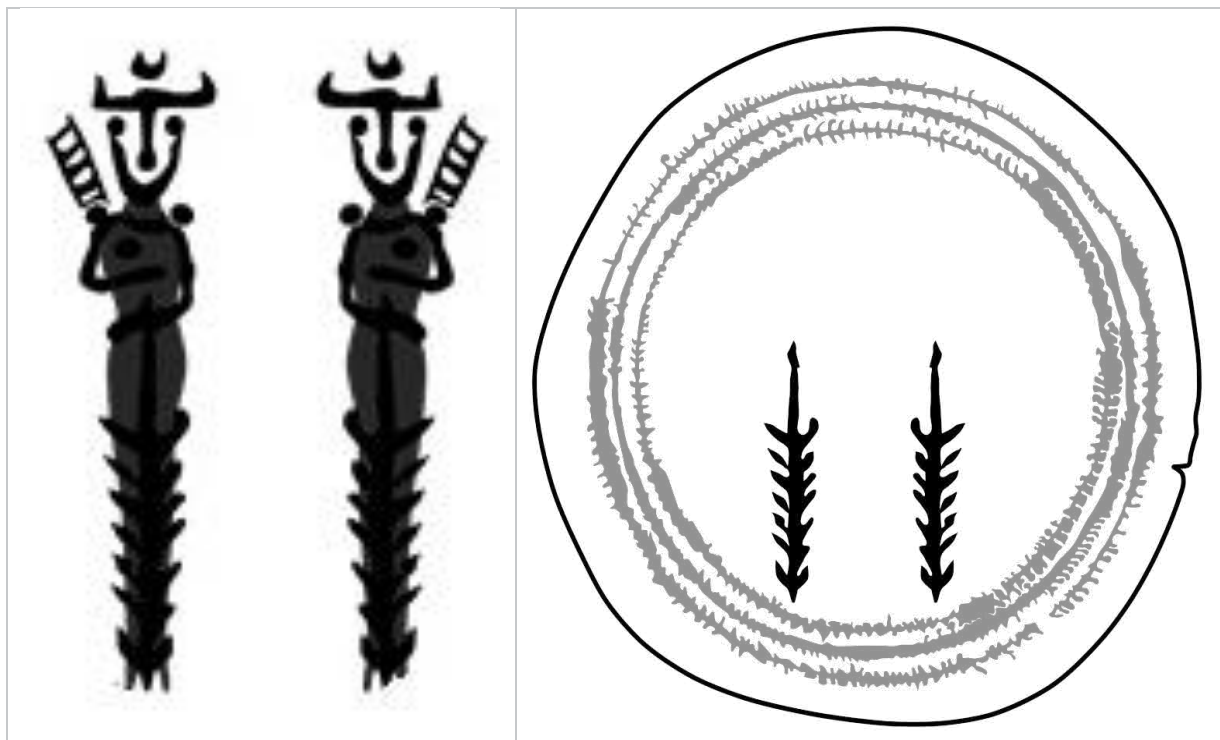
نگهبانان آتش آتشدان، چیزی شبیه به یک چوب-دستی را در دستان گرفته‌اند که به پنداشت برخی از محققان برسم است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۱۲۸ و ترابی طباطبائی، ۱۳۷۳: ۳). برسم صورت ایرانی واژه اوستائی برسمن به معنی رشد و نمو است (دهخدا، ۱۳۷۷: واژه برسمن). گیاهی که در آئین‌ها و نیایش‌ها ایرانیان باستان کاربرد داشته (مبینی و شافعی، ۱۳۹۴: ۴۸) و از متن اوستا می‌توان دریافت برسم از جنس رستنی‌ها و از شاخه‌های باریک و بی‌گره تهیه شده و دارای بندی از الیاف خرما است (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۶۲). شاخه‌ای از گیاه هئومه/ هوم^۲، انار یا گز که به اندازه معین چیده و به هم متصل شده (صداقت، ۱۳۹۶: ۱۳۸) و روحانیون زرتشتی در مراسم مذهبی به نشانه

سپاس و احترام به گیاهان و نباتات آن را در مقابل آتش در دست می‌گرفتند (زکریای کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۱۶ و صداقت، ۱۳۹۶: ۱۳۸ و ۸۲۵ Kanga, 1988: و میرزائی و میرزائی رشنو، ۱۳۹۶: ۱۲۵). ، شاخه‌ای مقدس برای مراسم ستایش و نیایش که تنها در اختیار روحانیون بوده است (میرزایی و میرزایی رشنو، ۱۳۹۶: ۱۳۳) بازنمایی از عنصر اهورایی گیاه در مراسم دینی است (بویس، ۱۳۷۵: ۲۳۳ و Kanga, 1988: 825). برسمن در دست چپ مردان پاک برای نماز بر اهورامزدا و امشاسپندان قرار می‌گرفت (Kotwal and Kreyenbroek, 2003: 521). عصا و ترکه‌ای مقدس که بر پایبندی به آئین‌های زرتشت تأکید دارد و انعکاسی از مراسم آئینی و نیایشی آتش با ابزار و لوازم مربوط به آن است که بر سکه‌ها نمود یافته است (تصویر ۱۵).

^۱ Barsom

^۲ هوم از گیاهان مهم آئین زرتشتی است که در دنیای مینوی ایزد و در دنیای گیتی گیاه است (صداقت، ۱۳۹۶: ۱۳۸) و در ته دریای فراخکرد (دریای اسطوره‌ای در کنار کوه البرز) می‌روید و

بی‌مرگی می‌آورد و جهان را بازسازی می‌کند (آموزگار، ۱۳۹۱: ۳۶). شیر هوم در مراسم خاص مذهبی نوشیده می‌شود و در کتاب اوستا از هوم به عنوان دوردانده مرگ یاد شده و مقدس است (عقیقی، ۱۳۸۳: ۳۵).



شکل شماره پانزده- طرح برسم و آذربدان برسم به دست بر سکه ها (نگارنده، ۱۴۰۰)

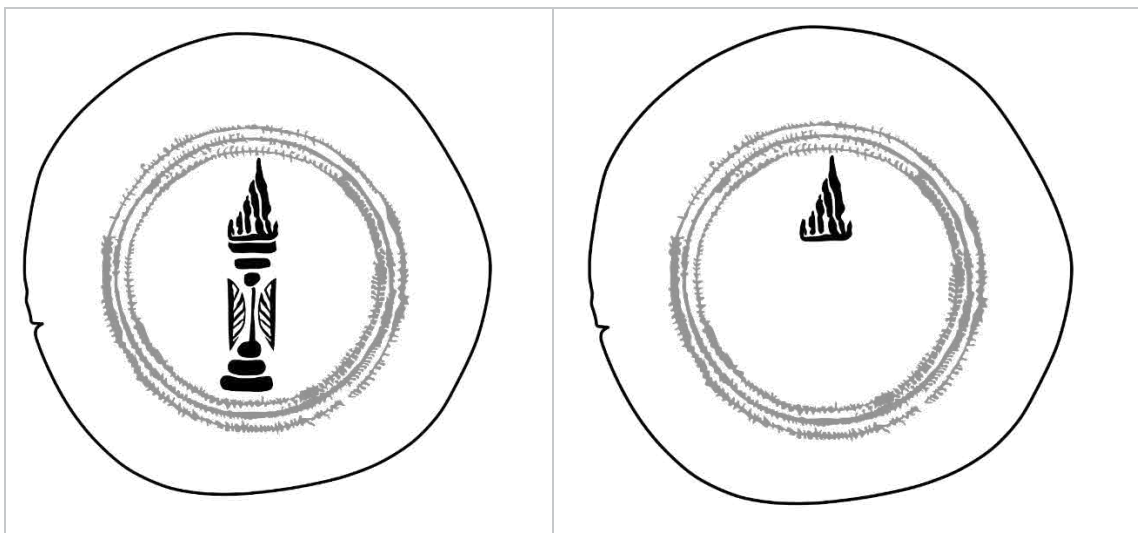
آتش

از نمادهای اصلی سکه‌ها، آتش است و مفهوم نمادین آن استحاله، تطهیر، نیروی زندگی‌بخش، مولد خورشید، تجدید حیات، بارورسازی، قدرت، انرژی ناپیدای هستی، گداختگی، تبدیل یا گذار از مرحله‌ای به مرحله دیگر، واسطه انتقال پیام‌ها یا فدی‌ها به آسمان است (عابدوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۳). واژه آتش در اوستا Athr و Atr در فرس باستان Atar و در پهلوی Atur و آتش Atash آمده و کلمه آذر همان واژه فرس باستانی آتر است که تا به زال بدل شده و نگهبان آتش یا آترون یا آذربان نامیده می‌شود (بهار، ۱۳۸۴: ۹۸). اتر ایزدی است که او را پسر اورمزد به شمار می‌آورند و آتش روشن نشانه مرئی حضور هرمزد است (عابدوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۳). در آئین زرتشت، آتش نماد آهورامزدا و مورد احترام و تکریم بوده و پادشاهان به دلیل تعلق خاطر و تقدس ایزد مهر، همواره خواستار این بودند، آتش و فرشتگان مسؤول نگهداری این

فروغ ایزدی بر سکه‌ها نقش کردند (مبینی و ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۵ و درخشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۹). در این دین آتش چنان مقدس است که نه خورشید باید بر او بیفتد و نه چشم کافری او را ببیند و دلیل قداست آن جریان طولانی تطهیر است. از امشاسپندان، اردیبهشت حافظ آتش است (قلی زاده، ۱۳۸۷: ۲۷-۳۰). آتشی که به صورت شعله نمایان شده نماد نیرو و قوای معنوی، برتری و روشنایی دهن و به معنای تجلی الوهیت، جان، دم یا نفس زندگی است. آتش با دو جنبه نور و گرما به دو شکل با خطوط یا پرتوهای افقی و خطوط یا پرتوهای موج‌دار نمایش داده شده و افروختن آن با زایش و رستخیز ارتباط دارد و کانون خانه و جنبه مؤنث زمینی آتش است (عابدوست و کاظم پور، ۱۳۹۴: ۸۳). گرمی آتش مظهر مهر و محبت و روشنی آن سرچشمه دانش و خرد اهورایی است و همواره شناخت و پرستش این پدیده امر مهم شمرده شده است (مبینی و ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۵). از نیایش‌های ویژه اوستایی، نیایش آتش

می‌سوزند باشد. آتش کنایه، نماد و نشانواره پاکی و روحانیت آدمی است (رضی، ۱۳۸۴: ۳۵ و تصویر ۱۶).

زندگی است که پیروان دین هر روز باید آتش زندگی را با خالص‌ترین عناصر روشن و فروزان نگاه دارند و شعله باید از چوب‌های خشک و خوش بو که بی‌دود



شکل شماره شانزده- طرح آتش در حال فوران و سینی آتشدان بر سکه‌ها (نگارنده، ۱۴۰۰)

طول مناسک سه بار بر هاون می‌کوبیدند (هینلز، ۱۳۷۳: ۱۸۲). بسیاری از مناسک زرتشتیان با عدد سه ارتباط دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به برگزاری آئین آتش در سه گروه بهرام، آذوران و دادگاه (هینلز، ۱۳۷۳: ۱۷۵)، بستن کمر بند گشتی به گرد کمر در سه دور به نشانه باور بنیادی دین مزدا (دوستخواه، ۱۳۷۹: ۱۰۳۳) و برپایی سه کوپه آتش به نام سه فرشته آسمان، آذر و آبان از فرشتگان مقرب (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۷۱) و گشتن گرد پشته خار و هیزم برای سه مرتبه به وسیله موبدان لاله به دست در هنگام شب و جشن سده برای دعا و نیایش اشاره کرد (رضایی، ۱۳۶۸: ۴۷۸ و تصویر ۱۷).

مثلث سه نقطه‌ای از مروارید

گوشواره، گردن‌آویز و حاشیه پشت سکه‌ها، مثلث سه نقطه ●●● نقش شده که بر سکه‌های ساسانی وجود ندارد. نقشی که احتمالاً پیام نمادین و آئینی از دین زردشت دارد. عددی مقدس که نمادی از سه اصل کیش زرتشت، هومت^۱ (اندیشه نیک)، هوخت^۲ (گفتار نیک) و هورشت^۳ (کردار نیک) بوده است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲: ۳/۶۶۵ و رضایی، ۱۳۶۸: ۱۴۹). زرتشتیان آب تقدیس شده را در سه نوبت بر گیاه هوم می‌ریختند که نماد سه مرحله ایجاد باران یعنی تبخیر، تشکیل ابر و درهم فشردگی است و در

³ Huvarsta

¹ Humata

² Huxta



شکل شماره هفده- طرح مثلث سه نقطه‌ای گوشواره، گردن‌آویز و حاشیه پشت سکه‌ها (نگارنده، ۱۳۹۴ و ۱۴۰۰)

گل زنبق

برخی از سکه‌ها به جای مثلث سه نقطه‌ای نقش گل زنبق را بر حاشیه پشت سکه جایگزین کرده‌اند (Malek, 2004: 42). نقش گیاهان پیشینه‌ای طولانی و ریشه در داستان آفرینش دارد و در بندهشن گل چمبک/زنبک/زنبق ویژه اُمرداد آمده است (مبینی و شافعی، ۱۳۹۴: ۴۶ و عفیفی ۱۳۷۴: ۴۴۲). شش امشاسپند (وهونه (بهمن)، اشاوهیش (اردی بهشت)، خشته ونیریه (شهریور)، سپنت آرمئیتی (سپندارمذ)، هئورتات (خرداد) و امرتات (مرداد) با شش فلک کروی در سروده‌های زرتشت از اسامی مجرده و صفات اهورامزدا بوده (رضی،

۱۳۸۰: ۱۲۱) و امرتات ششمین آن‌ها در عالم روحانی، نماینده بقای اهورامزدا و درعالم مادی پرستار گیاهان و نماد گل چمبک (متین دوست، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۰) و فرشته‌ای برای حفظ گیتی و اقامه غذاها و دواهاست (بیرونی، ۱۳۶۳: ۲۸۹). واژه اوستایی امرتات فرشته بی‌مرگی و جاودانی در عالم جسمانی نگهبان نباتات و روئیدنی‌ها (آموزگار، ۱۳۹۳: ۱۹ و آذرگشسب، ۱۳۴۸: ۲۳۲) و سرسبزی و باروری زمین است (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۲/۹۲۵). هفتمین روز از هر ماه شمسی به نام امشاسپند بانو اُمرداد است و در این روز جریان زندگی جشن گرفته می‌شود (رشادی نژاد و رادمنش، ۱۳۹۱: ۱۶ و تصویر ۱۸)



شکل شماره هجده- طرح گل زنبق برحاشیه پشت سکه ها (بانک سپه، ۱۴۰۰)

۴ تجزیه و تحلیل

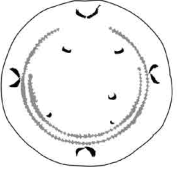
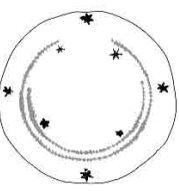
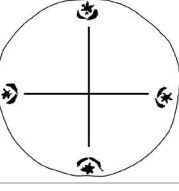
در پاسخ به این سؤال که نشانه‌های منقوش بر سکه‌های تبرستان دارای چه پیامی است و در بازسازی شرایط فرهنگی و اجتماعی چه نقشی دارد؟ و آیا با عناصر دینی ساسانیان ارتباط دارد؟ باید گفت پاسخ مستند و علمی به این پرسش‌ها مستلزم جمع‌آوری داده‌هایی است که اطلاعات مفید و ارزشمند مرتبط با موضوع ارائه نماید تا بر مبنای آن بتوان نمادها و نشانه‌های موجود بر سکه‌ها را بهتر شناخت. نقشمایه‌های نمادین که باورهای دین زرتشت را منعکس می‌سازد و پیش از آن بر مسکوکات ساسانیان نیز مورد استفاده قرار گرفته است. نگاره‌های رمزی و نمادین که گویای شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه تبرستان بوده و آئین‌های دینی متأثر از عصر ساسانی را بازنمایی می‌سازد.

سنجش و بررسی داده‌ها گویای این واقعیت است که نقوش جنبه تزئینی نداشته و تبلیغی برای ایدئولوژی و سیاست‌های دینی بوده است. تصویر پادشاه به همراه تاج و بال‌های گشوده بر تارک آن نشانی از الوهیت، اراده زمینی خداوند و پیوند او با نیروی آسمانی و مصونیت از بداندیشی اهریمن دارد. هلال ماه و ستاره، دوایر، واژه خوره، آتشدان و شعله‌های آتش، گل نیلوفر و زنبق همگی برای اشاعه اندیشه‌های دینی است. نشانه‌هایی که در قالب جهان‌بینی دینی قابل طرح و بررسی است و هدف از طراحی و ترسیم آن بازنمایی اعتقادات به منزله بخش جدایی‌ناپذیر از حکومت سیاسی است. نشانه‌ها و نمودارهایی که جریان فکری و عقیدتی حاکم بر جامعه را آشکار می‌سازد و بر روی و پشت سکه به شرح جداول ذیل نقش و ترسیم شده است.



جدول شماره یک- نقشمایه‌های نمادین روی سکه‌های تبرستان

ردیف	نقشمایه	مفهوم نشانواره	اهداف نشانواره	تصویر	طرح
۱	نیم‌تنه	الوهیت پادشاه	برگزیده آهورامزدا برای حاکمیت بر زمین	 فرخان	
۲	تاج	مظهر قدرت و برتری شاه	نماد پیوند با نیروی آسمانی	 دات برزمهر	
۳	بال‌های گشوده	نماد ورث‌رغنه خدای پیروزی	پیروزی بر اهریمنان در سایه قدرت خداوندی	 خورشید	
۴	گوشواره و گردن‌آویز	اقتدار پادشاه و سلطه دین	کسب حیثیت و اعتبار اجتماعی	 پس از مرگ خورشید	
۵	دوایر	فره ایزدی	متمایز از سایر انسان‌ها و حق فرمان‌روایی	 خالد	
۶	واژه خوره - افزود	فره ایزدی	شکل نوشتاری فره و فرمان‌روایی بر حق	 روح بن حاتم	
۷	گل نیلوفر	گیاه مقدس	آفرینش اورمزد و مقابله با اهریمن خشک‌سالی و نگهدارنده فره زرتشت	 عمر	

	 عمر	الهه آب و زایش و فراوانی و جاودانگی	نماد آناهیتا	هلال ماه	۸
	 سعید بن دعلج	آورنده باران در نبرد با دیو خشک سالی اپوش	نماد تیشتر	ستاره	۹
	 معد	چرخش فصول و جنبش زندگی	نماد گردونه مهر	سواستیکا	۱۰

جدول شماره دو- نقشمایه‌های نمادین پشت سکه‌های تبرستان

ردیف	نقشمایه	مضمون	اهداف	تصویر	طرح
۱	آتشدان	تأکید بر مزدایرستی	حکایت از ستایش آتش مقدس و همیشه فروزان	 فرخان	
۲	آتش	نمادهرمزد	حضور آهورا و خرد آهورایی	 دات برزمهر	
۳	آذربدان	موبدان نگهبان آتش مقدس	محافظ بهشت و سد راه جاهلین و گمراهان	 خورشید	
۴	شاخ گاو	نماد مهر	نشانه آئین مهر و دفع- کننده شر و اهریمن	 پس ازمرگ خورشید	



	عمر	نماد احترام به گیاهان و نباتات و بازنمایی از عنصر اهورایی گیاهان	ترکه مقدس در مراسم آتش	برسم	۵
	مقاتل	فرشته محافظ و مراقب انسان‌ها	فره ایزدی	دوایر	۶
	مهران	الهه آب و زایش و فراوانی و جاودانگی	نماد آناهیتا	هلال ماه	۷
	هانی	آورنده باران در نبرد با دیو خشک‌سالی اپوش	نماد تیشتر	ستاره	۸
	عبدالله	چرخش فصول و جنبش زندگی	نمادگردونه مهر	چلیپا	۹
	هانی	پیام نمادین اندیشه نیک، گفتار نیک و پندار نیک	نماد سه اصل اساسی کیش زرتشت	سه نقطه	۱۰
	عمر بن العلاء	پرستاری گیاهان و نباتات و سرسبزی زمین	نماد امشاسپند امرداد	گل زنبق	۱۱



۵ نتیجه‌گیری

سکه‌های تبرستان بازتابی از تفکرات دینی، سیاست‌های اعتقادی، اندیشه‌های آئینی و نهان داشته‌های مبتنی بر ایدئولوژی حکومتی است که پنجاه و نه سال پس از مرگ یزدگرد سوم باززنده‌سازی شد. سکه‌هایی که به لحاظ فرهنگی و هویتی، استمرار دوره ساسانی است. اسپهبدان دابویی و به دنبال آن‌ها ولات عباسی، نشانواره‌هایی را بر مسکوکات خویش نقش زده‌اند که پیش‌تر، ساسانیان آن نمادها و نشانه‌ها را برای مشروعیت حکومت و تبلیغ و ترویج عناصر دینی و اعتقادی بر سکه‌ها به کار گرفته بودند. در حقیقت این سکه‌ها را باید ابزار اشاعه و ابلاغ سیاست‌های دینی و اندیشه‌های مذهبی تلقی کرد. با تصویرسازی و تجسم آن‌ها تعلق خاطر خویش به آئین مزدیسنا و حفظ و بقای اندیشه‌های زرتشت را تثبیت ساختند. مسکوکات تبرستان با تأسی و تابعیت از سکه‌های ساسانی نقشمایه‌هایی را به اشتراک گذاشت که گویای پندارهای دینی حاکم بر جامعه تبرستان در دو سده نخستین هجری است. نقشمایه‌هایی که واکنشی خصمانه نسبت به سکه‌های تراز اسلامی امویان و با دگرگونی‌هایی ادامه عصر ساسانی است.

تصویر نیم‌تنه پادشاه نشانی از مقام آسمانی وی در زمین دارد و او را مجری اراده خداوند بر زمین و نشانه‌ای روشن برای سعادت و سلامت ملت معرفی می‌نماید. تاج شاه با بال‌های گشوده پرنده شکاری تیزپرواز، نماد قدرت و برتری شهریار و پیروزی بر اهریمنان است که از سوی ایزدان به وی اعطا می‌گردد. دوایر مرواریدی که همانند هاله‌ای گرد شاه نقش شده نشانی از فره ایزدی است که او مقام الوهیت بخشیده و از انسان‌های زمینی برتر ساخته است. نمادی از حقانیت حکمرانی و موهبت آن از جانب خداوند دارد. فره به صورت نوشتاری نیز در واژه خوره با همان مضامین و مفاهیم متجلی گشته است. اشکال سماوی هلال ماه و ستاره نشانواره‌های ایزدان زرتشتی آناهیتا و تیشتر هستند. ایزدانی که نماد آب و باران بوده و به گردش روزگار و رشد همه

زائیدنی‌ها و روئیدنی‌ها اشاره دارد. تکرار این اجرام سماوی را می‌توان نشانی از سواستیکا و گردونه مهر دانست که چرخش زندگی و فصول و جشن زندگی و خوش یمنی را تداعی می‌کند. زیورآلات مورد استفاده توسط شاهان برای اقناع نیازهای روحی بوده و با رمزهای مذهبی حکایت از باورهای مربوط به آئین زرتشت دارد. گل هشت‌پر که بین دو واژه افزود-خوره آمده از نیلوفر آبی مقدس الگو گرفته که در باورها تخمه یا فره زرتشت بوده و مظهر باروی و حیات و بی‌مرگی است.

آتشدان، شعله‌های در حال فوران و اذربدان از عناصر مهم مذهبی آشکار دین زرتشت است که بر ایدئولوژی مزداپرستی تأکید دارد. بر آتشدان و آتش و اذربدان نشانه‌های پیدا و پنهان از مقدسات ترسیم شده که در مناسک آتش با ابزار خاص و نمادین اجرا می‌شده است. موبدانی که عنوان آثروان آتش مقدس را دارند و در این مراسم با عصا و ترکه‌ای در دست به نام برسم نیایش‌های مخصوص را به جا می‌آورند، تأکیدی بر پایبندی به دین زرتشت و انعکاسی از آداب و رسوم مربوط به آن است. از نمادهای مکرر بر سکه‌ها، مثلث سه نقطه‌ای از مروارید است که حاوی سه اصل اساسی کیش زرتشت یعنی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است. از دیگر نمادها بر حاشیه برخی از سکه‌های این دوره نقش گل زنبق است که نماد امشاسپند امرداد پرستار گیاهان و نباتات و سرسبزی و باروری زمین است. نشانواره‌هایی که با ایمان و باورهای حاکمیت و مردم پیوند داشته و حکایت از ارتباط دین و دولت برای مشروعیت‌بخشی حکمرانی دارد. زنجیره‌ای که در عصر ساسانی شکل گرفت و در این عصر برای میل به مقصود تداوم یافت. نشانه‌های نهادینه‌شده ماورایی و آئینی که در این دوره پرنگ‌تر از قبل مورد استفاده قرار گرفت و نمادگرایی ساده یا پیچیده را ارائه می‌نماید.

سخن آخر آنکه هیچ یک از نگاره‌ها و نشانه‌ها بی‌دلیل و صرفاً برای زیبایی و جذابیت بصری بر سکه‌ها نقش نشده و حاوی پیام‌ها و مفاهیم مذهبی



و آئینی بوده و با مراسم و مناسک دین زرتشت
ارتباط داشته است. نشانه‌هایی که از پندار و کردار
آئین مزدیسنا حکایت و روایت دارد.



منابع

تصحیح و پژوهش، مصطفی احمد زاده، تهران: انتشارات فکر روز.

اعتماد مقدم، ع، ۱۳۵۰، تاج‌گذاری در ایران باستان، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

اعظمی سنگسری، چراغعلی، ۱۳۵۲، سکه‌های تبرستان؛ گاوبارگان و حکام خلفا، بررسی‌های تاریخی، سال هشتم، شماره‌های ۲ و ۱: ۱۵۵-۱۹۴.

اکبری، تیمور و الیکای دهنو، ثریا، ۱۳۸۴، چلیپای شکسته نماد رازآمیز، تهران: سمیرا.

امام شوشتری، محمد علی، ۱۳۳۹، تاریخ مقیاس‌ها و نقود در حکومت اسلامی، تهران: دانشسرای عالی.

اوتاکار، ک، ۱۳۶۵، تاریخچه مکتب مزدک، ترجمه جهانگیر فکری، تهران: توس.

اوشیدری، جهانگیر، ۱۳۷۱، دانشنامه مزدیسنا، واژه توضیحی آئین زرتشت، تهران: مرکز.

الیاده، میرچاه، ۱۳۷۶، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.

ایمان پور، محمد تقی، ۱۳۷۱، مبانی نفوذ و مقام روحانیان زرتشتی، یادگار نامه استاد عبدالهادی حائری، دانشگاه فردوسی.

آذر گشسب، اردشیر، ۱۳۴۸، مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، تهران: فروهر.

آلت‌هایم، فرانکس، گوبل، روبرت و روت استیل، ۱۳۸۲، تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: علمی و فرهنگی.

آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، ۱۳۷۰، اسطوره زندگی زرتشت، بابل: کتابسرا.

آموزگار، ژاله، ۱۳۸۸، تاریخ اساطیر ایران، تهران: سمت.

آور زمانی، فریدون، ۱۳۹۲، رازگشایی نمادهای آیینی در پوشش شهر یاران ساسانی، فصل‌نامه هنر و تمدن شرق، سال اول، شماره اول.

ابن اسفندیار کاتب، بهاءالدین محمد بن حسن، ۱۳۶۶، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: پدیده خاور.

ابن حوقل، ابوالقاسم، ۱۳۴۵، صورت الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ابن خرداد به، ۱۳۷۰، المسالك و الممالك، ترجمه حسین قره خاتلو، تهران: نشر نو.

ابن رسته، ۱۳۶۴، الاعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره خاتلو، تهران: امیر کبیر.

ابن فقیه، احمد بن محمد بن اسحاق همدانی، ۱۳۴۹، مختصر البلدان، ترجمه محمدرضا حکیمی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ابوالفداء، اسماعیل بن علی، ۱۳۴۹، تقویم البلدان، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

احمدی، لیلا، ۱۳۹۴، نقش اعداد در آئین‌های ایرانی (باتکیه بر فرهنگ گیلان، آمل، تالش، بروجرد، لرستان، خراسان و ایزدخواست)، مطالعات ایرانی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پائیز و زمستان: ۱-۱۶.

اردلان جوان، علی، ۱۳۷۴، تصویرهای زیبا و اشعار خاقانی، تهران: پازنگ.

استخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۶۸، مسالك و الممالك، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

اسماعیل پور، ابوالقاسم، ۱۳۸۱، تیرماه سیزه شو (جشن تیگران) و اسطوره تیشتر، نامه انسان-شناسی، دوره اول، شماره اول: ۷۷-۹۹.

اسماعیل پور، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، اسطوره بیان نمادین، تهران: سروش.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، ۱۳۷۳، التدوین فی احوال جبال شروین (تاریخ سواد کوه مازندران)،



پوپ، آرتور، ۱۳۸۰، شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز ناتل خانلری، تهران، علمی و فرهنگی.

پورداوود، ابراهیم، ۱۳۵۴، مجموعه اوستا؛ گاتاها، سرودهای زرتشت، زیر نظر بهرام فره وشی، تهران: دانشگاه تهران.

ترابی طباطبایی، سید جمال و وثیق، منصوره، ۱۳۷۳، سکه‌های اسلامی ایران یا فرهنگ مصور سکه-شناسی، تبریزمهدآزادی.

تفضلی، احمد، ۱۳۵۴، مینوی خرد، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

چیت ساز، شقایق، ندایی فرد، احمد، نامور مطلق، بهمن، ۱۳۹۸، خوانش بین متنی نقش مایه انار در زیور آلات ایرانی، باغ نظر، سال ۱۶، شماره ۷۷، آبان: ۵۸-۴۳.

حاجی تبار، مجید، ۱۳۹۶، بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی اسپهبدان دابویی و ولات عباسی، با تکیه بر سکه‌ها، فصل‌نامه مطالعات تاریخ فرهنگی، سال هشتم، شماره ۳۲، تابستان، ۱۵۹-۱۳۱.

حاجی تبار، مجید، ۱۳۹۸، مسکوکات اسپهبدان دابویی در دو سده نخست هجری؛ اسنادی از استقلال سیاسی و فرهنگی تبرستان، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بیرجند، آبان ماه.

حاجی تبار، مجید، ۱۴۰۰، بررسی و طبقه‌بندی محتوای کتیبه‌های پهلوی مسکوکات تراز ساسانی تبرستان در قرون اول و دوم هجری، مجموعه مقالات دومین کنفرانس ملی دوسالانه باستان‌شناسی و تاریخ هنر، دانشکده هنر دانشگاه مازندران، اردیبهشت.

خدادادیان، اردشیر، ۱۳۸۰، ساسانیان، تهران، بهدید خسروبیگی، هوشنگ، ایزدیارپیریستی، آسیه، ۱۳۹۴، علل استمرار حکومت آل دابویه در طبرستان، دوفصل‌نامه تاریخ و فرهنگ، شماره ۹۴، دوره ۴۷، بهار و تابستان: ۹۱-۱۱۲.

بادامچی، حسین، مطلوبکاری، اسماعیل، ۱۳۹۵، نظریه و روش در دوره‌بندی تاریخ ساسانی، پژوهش‌های تاریخی، شماره ۳۲: ۳۶-۱۵.

بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، ۱۳۵۸، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه دادور، تهران: توس.

باقری، مهری، ۱۳۸۵، دین‌های ایران باستان، تهران، نشر قطره.

بایار، ژان پیر، ۱۳۷۷، رمزپردازی آتش، ترجمه سوزان گویری، تهران، نشر مرکزی.

بختورتاش، نصرت الله، ۱۳۸۶، نشان رازآمیز، گردونه خورشید یا گردونه مهر، تهران: آرتامیس.

بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، ۱۳۶۷، فتوح البدن، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره.

بلخاری قهی، حسن، ۱۳۸۴، اسرار مکنون یک گل (تأملی در مبانی حکمی نیلوفر مقدس در آئین، هنر و معماری شرق) تهران: حسن افرا.

بویس، مری، ۱۳۷۷، جشن‌های ایرانی در تاریخ سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ویراسته احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج ۲/۳، تهران: امیرکبیر.

بهار، مهرداد، ۱۳۸۴، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگاه.

بهمنی، پردیس، ۱۳۸۹، سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران، تهران: دانشکده هنر و رسانه دانشگاه پیام نور.

پاکباز، روبین، ۱۳۷۸، دایره المعارف هنر، تهران: فرهنگ معاصر.

پاکزادیان، حسن (۱۳۸۴) تاریخ و گاه‌شماری در سکه‌های ساسانی، تهران.

پاکزادیان، حسن، ۱۳۸۷، تاریخ و گاه‌شماری در سکه‌های تبرستان، تهران.



ایرانی، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال پنجم، شماره ۱۸، بهار، ۳۶-۲۴.

رابینو، ه. ل، ۱۳۶۵، *مازندران و استرآباد*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.

رستم بیگی، سمانه، ۱۳۶۴، نقش‌مایه‌های مهری در نقوش تزئینی هنر ایران، نگره، شماره ۱۸، تابستان: ۶۷-۴۹.

رسولی (طالقانی)، آرزو، ۱۳۹۶، بررسی تحول نقش هیربدان در عصر ساسانی، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۳۶، زمستان: ۸۸-۶۹.

رشادی نژاد، زهرا و عطا محمد رادمنش (۱۳۹۱) *بررسی ایام باستانی و جشن‌های مربوط به آن‌ها در شاهنامه فردوسی*، ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۵ و ۶ دی ماه.

رضازاده، زهرا و حسن اوغلی زرنق، سویل، ۱۳۹۴، بررسی نقوش جانوری در آئین میترائیسم، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، مؤسسه سرآمد همایش کارین.

رضایی باغ بیدی، حسن، ۱۳۹۵، سکه‌های ایران در دوران اسلامی از آغاز تا بر آمدن سجوقیان، تهران: سمت.

رضایی راد، محمد، ۱۳۷۸، *خرد مزدایی*، تهران: طرح نو.

رضایی، عبدالعظیم، ۱۳۶۸، اصل و نسب و دین‌های ایران باستان، تهران: طلوع آزادی.

رضی، هاشم، ۱۳۸۴، حکمت خسروانی، قم: بهجت.

رضی، هاشم، ۱۳۸۰، پژوهشی در گاه‌شماری ایران باستان، تهران: بهجت.

روشنی نژاد، محمد علی، ۱۳۹۱، *تشبیت جایگاه ایزد بهرام اسطوره جنگ پیش زرتشتی ایرانیان باستان در معارف زرتشتی*، زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شماره ۱۰، بهار: ۳۴-۵۰.

خلف تبریزی، محمد حسین، ۱۳۴۲، *برهان قاطع*، جلد چهارم، به کوشش محمد معین، تهران: کتاب-فروشی ابن سینا.

خندقی، جواد امین، ۱۳۸۹، شناخت و بررسی شیطان‌پرستی آفتاب، تهران: توس.

دادور، ابوالقاسم، منصوری، الهام، ۱۳۸۵، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران: دانشگاه الزهرا.

دادور، ابوالقاسم، مکوندی، لیلا، ۱۳۹۱، بررسی طرح تاج شاهان در سکه‌های ایرانی از دوره هخامنشی تا ساسانی نشر هنرهای زیبا و هنرهای تجسمی، شماره ۵۰: ۳۲-۲۳.

دانشگر، احمد، ۱۳۸۴، ۲۷ مقاله فرش دستباف، تهران، نشر جهان تاب.

درخشی، حسن و موحد، عبدالعزیز و شهبازی، زهرا، ۱۳۹۱، تحلیل سیاسی-مذهبی نقوش و نمادهای سکه‌های ساسانی، باستان‌شناسی ایران، دوره ۲، شماره ۲، پائیز و زمستان: ۱۳۱-۱۰۸.

دریایی، تورج، ۱۳۸۲، تاریخ و فرهنگ ساسانی، تهران: ققنوس.

دمرگان، ژان ژاک، ۱۳۳۸، *هیأت علمی فرانسه در ایران- مطالعات جغرافیائی*، جلد اول، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز، انتشارات چهر.

دوستخواه، جلیل، ۱۳۷۰، اوستا کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی، ج ۲، تهران: نشر مروارید.

دوستخواه، جلیل، ۱۳۷۹، اوستا، تهران: مروارید.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *فرهنگ لغت فارسی*، تهران: دانشگاه تهران.

دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، ۱۳۴۰، *اخبارالطوال*، ترجمه صادق نشأت، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ذبیح نیاء عمران، آسیه، فریبا قیومی زاده، ۱۳۹۶، بررسی کاربرد اعداد یک تا پنج در افسانه‌ای مکتب



صداقت، نفیسه، ۱۳۹۶، بررسی و تحلیل نقوش گیاهان مقدس و اساطیری (در نقش برجسته، گچبری و مهر)، فصلنامه تاریخ، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، تابستان: ۱۴۸-۱۲۹.

صلواتی، مرجان، ۱۳۸۷، تجلی نمادگردونه خورشید (مهرانه) در قالی‌های ایل قشقایی، فصلنامه انجمن علمی فرش ایران، شماره ۹، بهار: ۴۸-۳۵.

طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۳، *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک*، جلد دهم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.

عابد دوست، حسین، کاظم پور، زیبا، ۱۳۹۴، بررسی مفاهیم نمادین نقوش سکه‌های دوره ساسانی، آستان هنر، شماره ۳: ۸۹-۸۰.

عفیفی، رحیم، ۱۳۷۴، اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، تهران: نشر توس.

عفیفی، رحیم، ۱۳۸۳، اساطیر و فرهنگ ایرانی، تهران: توس.

غلامپورد رزی، فاطمه، علی اسماعیلی، عبدالله، ۱۳۹۹، نمادینگی نیلوفر آبی، مضمون مشترک در پهنه جغرافیای فرهنگی عصر هخامنشی و ساسانی، زبان و ادبیات فارسی شفای دل، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان: ۱۸۷-۱۶۹.

فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۷۵، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی فرهنگی.

فرنبرگ دادگی، فرنبرگ، ۱۳۸۵، بندهشن، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.

قزوینی، ذکریا محمد بن محمود، ۱۳۷۳، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: انتشارات امیر کبیر.

قلی زاده، خسرو، ۱۳۸۷، فرهنگ اسطوره‌های ایرانی بر پایه متون پهلوی، تهران: شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.

رهبر، ایلناز، طاووسی، محمود، افهمی، علی، شیخ، مهدی، علی پور مند، حسن، ۱۳۹۵، بازتاب نمادین مشروعیت بر سکه‌های ساسانی، مطالعه موردی: دوران قباد اول و جاماسب، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۸، شماره ۱: ۲۳۰-۲۰۹.

زرین کوب، عبد الحسین، ۱۳۷۳، *تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه*، تهران: امیر کبیر.

زکریای کرمانی، ایمان، ۱۳۸۵، بررسی نقوش اساطیری در منسوجات ساسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

سامی، علی، ۱۳۸۷، تمدن ساسانی، تهران: سمت.

سرفراز، علی اکبر و آور زمانی، فریدون، ۱۳۷۹، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.

سودآور، ابوالعلاء، ۱۳۸۴، فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران، تهران: نشر نی.

سید خلیل الهی، سارا، ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۹۸، جلوه‌های تصویری و نوشتاری فره با خوره بر سکه‌های ساسانی (۲۲۴-۶۵۱م) پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۲، دوره نهم: ۲۱۶-۱۹۷.

شعبانی، رضا، ۱۳۸۷، مبانی تاریخ اجتماعی، تهران: توس.

شفق، اسماعیل، و زارعی، جمیله، ۱۳۹۱، جستاری پیرامون هما، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره جدید، سال چهارم، شماره ۱: ۷۲-۵۷.

شمس، امیر، ۱۳۷۹، نگاهی به نشان‌ها و نمادها در ایران باستان، هنر تجسمی، شماره ۸: ۲۰۹-۱۹۴.

شوالیه، ژان و گربران، آن، ۱۳۷۸، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضائی، تهران: جیحون.

صالحی، کوروش و ستاریان، بیات، ۱۳۸۸، نقش روحانیان زرتشتی در ساختار جامعه ایران عصر ساسانی، پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۵، پائیز و زمستان: ۱۴۸-۱۱۹.



مبینی، مهتاب و شافعی، آزاده، ۱۳۹۴، نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی (با تأکید بر نقوش برجسته، فلزکاری و گچ بری)، جلوه هنر، شماره ۱۴، پائیز و زمستان: ۴۵-۶۴.

متین دوست، احمد، ۱۳۸۴، باورهای آریائیان، اصفهان، چهار باغ.

محمودی، خیرالله، ۱۳۸۴، جایگاه عدد سه در فرهنگ و آئین‌های باستانی ایرانیان، علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره اول، بهار: ۱۶۲-۱۴۹.

مرعشی، میر ظهیرالدین بن نصیرالدین، ۱۳۴۵، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، با مقدمه محمد جواد مشکور، به کوشش محمد حسین تسبیحی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق.

مقدم، محمد، ۱۳۸۵، مهر و ناهید، تهران: هیرمند.

منصورزاده، یوسف، بهفروزی، مینو، ۱۳۹۷، تحلیلی بر آئین قربانی میترا و نمادهای آن بر اساس آثار هنری، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۲۳، شماره ۴، زمستان:

موحدی، سیامک، ۱۳۸۱، فر و نماد آن در هنر ساسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد تهران مرکز.

موسوی حاجی، سیدرسول و رستمی، هوشنگ و مهرآفرین، رضا، ۱۳۹۸، پژوهشی بر شاخص‌ترین نقوش نمادین گیاهی در گچ‌برهای دوره ساسانی، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱۱، شماره ۲، پائیز و زمستان: ۳۴۰-۳۱۷.

موله، م، ۱۳۶۳، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، توس.

مهجوری، اسماعیل، ۱۳۸۱، تاریخ مازندران، جلد اول، تهران: توس.

مهر آبادی، میترا، ۱۳۷۲، خاندان‌های حکومتگر ایران باستان، تهران: فتحی.

قلی زاده، خسرو، ۱۳۸۳، سبک‌شناسی سکه‌های ساسانی، پیک نور، سال دوم، شماره اول، بهار: ۱۸-۴.

قلی زاده، فاطمه و حسن کریمیان، جواد نیستانی، سید مهدی کوهپر و صفورا برومند، ۱۳۹۶، حاکمیت ولات عباسی در تبرستان بر اساس گاه‌نگاری سکه‌ها و منابع مکتوب، تاریخ‌نگر و تاریخ‌نگاری، سال ۲۷، دوره جدید، شماره ۲۰، پیاپی ۱۰۵، پائیز و زمستان: ۷۹-۱۰۷.

کاسیرر، ارنست، ۱۳۶۰، فلسفه و فرهنگ، ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران: مرکز مطالعه فرهنگ‌ها.

کریستین سن، آرتور، ۱۳۴۵، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

کوپر، جی سی، ۱۳۸۶، فرهنگ مصور هنرهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر نو.

کیا، صادق، ۱۳۴۵، هنر و مردم، شماره ۴۵:

گجسته ابالی‌ش، ۱۳۱۸، بی نا، ترجمه محمد صادق هدایت، تهران: ابن سینا.

گرین، ویلفرد و لی مورگان، ارل لیبر و جان ویلینگهم، ۱۳۷۶، مبان نقد ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نیلوفر.

گیلانی، ملا شیخعلی، ۱۳۵۲، تاریخ مازندران، تصحیح و تحثیه دکتر منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

گیو قصاب، عبدالناصر، ۱۳۹۲، زیورآلات زیبایی و تمدن ایرانند، پژوهش هنر، شماره ۳، سال اول، پائیز، ۱۷-۱۲.

لسترنج، گای، ۱۳۳۷، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مبینی، مهتاب، ابراهیم زاده، فرزام، ۱۳۸۸، پژوهشی در نشانه‌های سیاسی و مذهبی سکه‌های ساسانی، فصل‌نامه تاریخ، سال چهارم، شماره ۱۲: ۱۶۲-۱۴۱.



نولدکه، ت، ۱۳۵۸، حماسه ملی ایران، ترجمه بزرگ علوی، مقدمه سعید نفیسی، تهران: دانشگاه تهران.

هال، جیمز، ۱۳۸۰، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.

هینلز، جان راسل، ۱۳۷۳، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر آویشن و چشمه.

هینلز، جان راسل، ۱۳۸۸، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

یاحقی، محمد جعفر، ۱۳۷۵، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: سروش.

یارشاطر، احسان و دیگران، ۱۳۷۳، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح، ۱۳۴۴، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

مهرآبادی، میترا، ۱۳۸۷، تاریخ سلسله‌های محلی ایران، تهران: دنیای کتاب.

میرزائی، علی اصغر و میرزایی رشنو، محمد، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی برسم در آثار دینی زرتشتی و نگاره‌های ایران باستان، الهیات تطبیقی، سال هشتم، شماره هیجدهم، پاییز و زمستان: ۱۳۴-۱۲۳.

مینفورد، میراندا بوروس، ۱۳۱۴، دایره المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها، ترجمه معصومه انصار و حبیب شیر پور، تهران: سایان.

مینوی، مجتبی، ۱۳۵۴، نامه تنسر به گشنسب، گردآورنده تعلیقات مجتبی مینوی و محمد اسماعیل رضوانی، تهران: انتشارات دانشگاه.

نقشبندی، ناصر، بی تا، درهم اسلامی، جزء اول درهم‌های عرب ساسانی، ترجمه امیر شاهد، تهران: چاپ اهل بیت.

نوبان، مهرالزمان، ۱۳۷۶، نام مکان‌های جغرافیایی در بستر زمان (نام قاره، کشور، استان، شهر، بخش، آبادی‌ها، دریا، دریاچه، رود، باتلاق، کوه و....) تهران: نشر ماه.

نوروز زاده چگینی، ناصر ۱۳۶۶، مازندران در دوره ساسانی ۲، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان، ۲۱-۲۹.



- Back, M, 1978, Die Sasanidchen Staatsinschriften (=Acta Iranica 18) Leiden-Brill
- Gobl, R, 2006, Sasanian Coins in The Cambridge History of Iran, Vol. 3(1), Edited By Ehsan Yarshater, New York, Cambridge University Press Fourth Printing, 322-342
- Guillou, A. (1953) Bibliothèque nationale des monnaies péhleri - Arabes (catalogue) - du cabinet des médailles de France - Paris -
- Kanga, M. F., 1988, Barsom, Encyclopaedia Iranica
- Kotwal, F. M. & Kreyenbroek, P. G., 2003, The Herbedestan and Nerangestan, Vol. II: the Nerangestan, Frankfurt
- Malek, H. (2004) The Dabuyid isfahbas and early abbasid governors of Tabaristan: history and numismatics - Royal numismatic society special publication - no. 39 - London
- Miles, George C., 1950, Rare Islamic coins, the American numismatic society, New York.
- Stickel, D. Johann - Morgen 1845 landischen Münzkunde - Gustav Leipzig - F. A. Brockhaus - 1845
- Unvala, J. M. (1938) Coins of Tabaristan and some Sasanian coins from Susa - G. P. Maisonneuve - Paris
- Walker, John. 1941 - Catalogue of the Muhammadan Coins in the British Museum a catalogue of the Arab-Sassanian coins - Umayyad governors in the East Arab - Ephthalites, Abbasid governors in Tabaristan and Bukhara - The British Museum - Printed by order of the Trustees - London
- Wiedengren, Geo., 1968, Les Religions De L'Iran, Traduit De L'Allemande Par L. Jospin, Paris, Payot
- Wikander, Stig., 1946, Feuerpriester in Kleinasien Und Iran Lund